

نام کتاب: ...  
تاریخ ثبت دفتر: ...  
شماره قفسه: ...

۳۰۶۴

۴۸۲۲  
۱۰۴  
۱۰۴  
۱۰۴





هـ  
 كتاب آيات  
 الظهور في انتظام  
 الفرج والسفر في آيات  
 التخصيص وكبر الأئمة العصفور  
 لهم السلام إلى الدنيا ما امتلك  
 ومرت الدنيا ثمرة خاتمة عباد  
 ثم فاني أحقر الواعظين  
 أقل الحاج والعبير على  
 فاصح في حق فاني



هَذَا  
كِتَابُ آيَاتِ  
الظهور في انتظار  
اَيَّامِ الْفَرَجِ وَالسُّرُورِ  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ  
الرَّحِيمِ

الحمد لله الذي أنزل الآيات على نبيه محمد صبا الدلالات منبع النور

وجمع الكالات والصلوات والسلام عليه وآله من شيوخ طريقات العبودية  
في ظلال الفتن الضلالة سبعا بن قمره على الملك اليه ينسب من الواعظ  
انفع المقالات عند التفسير للذليل واليهام في معضلات القرآن  
الجهنما ترجع السؤالات واللغة الدائمة على اعداءهم فادام الله  
ولعجل ازاجابكم به كما ان الله يانت كذا علم به في اورد  
من تاندا باندان فهم كذا كه از نور غايل اند سخن داند بباله اند  
خداوند غايد لازم و واجب براه ثبات قدم عوام محيط است  
ومزيد بيشتر جوانان با دكاوت آنچه با مكان ايد سالت نه نشند

وامال عقلت و داندارد فلذا اين بند بر تقصير عليقلي  
ناصر هم خواند كه از بند شباهت ابرار و اطفال لايق و زينه جوانان  
تازم مكلف و طن بخرن خود (ايوان) را منظور داشت اين  
طريقه و طيفه خود را نسته است چون ديد بعضي مبلغين مذاهب  
باطله بواسطه ارايشد علم و سخن و بعباشت و جوشد با اين  
جوانان شابا پاي كلمات شبهه اورد و فند انك في عقل اقلويل زند  
در ضمن و مانها شيرت خوش ايند بجا و نيت اظها اخلا عوام  
و سخنان مردم نرد بان بتم بار مايلد قريبه قلب ضعيف اين نوع جوانان  
الفا شبهه ميكنند نرد بان است قد انها از بي اطلاعي از اخبار  
و احايث سست خود كه بلغزانند و طريق و جاشرع دين بوار  
حجت و ضلالت اندازند بسو ميكت فاسد خوردن سوسنا ايند  
در اخبار و احاديث راجحه بظهور حجت تحت عمل امة فرجه جلنا  
من كل مكره فيدار حجت حضرة ائمة عليهم السلام فان باطله  
مدا خله ها عوام فريب ميكنند با خيرات علماء اعدا حاضر نما  
نمي شوند البته نمي توانند (نطق عبيتي چگونه دانند كه)  
نور موسي چگونه ببند كير (مثل شب پره در غار اين خا



ها و کنار گوشه ها این جوانها را از بر چانه شیطان انداخته  
 تبلیغات می کنند و این جوانان هم بد بختانه بسبب گرفتاری امت  
 با حکام هوا و هوس میالشان و بشتنها فقر و بلا و نشاط جوانی  
 که در سر دارند از به سعاد و عذوق از مجالس عاظمی که در آنجا  
 کنار از فیض محافل سراپا افاضه آن پاس دارند و در حافلان شرح بیان  
 و افتاد اند با کتب اخبار انی ندارند بایان قرانی بسبب علاقه هم  
 اشنایند علا و اوضاع ظاهر ایات استدلال و احتجاج بدن  
 معانی احاطت معبر بطرف مقابل جابری می شود این حقیر این اوضاع  
 ناظر در تحت مطالعه گرفته بودم و عاقبت چنانچه از ملاحظه می نمود  
 پس من بهمت بر گرفته با ضعف حال نشست خیال با حرکت بدو  
 باین صدق اند که بقدر امکان فتا این گروه ضاله مضل را  
 از ساختن دنیا و با و گمان طری خود دفع نمایم اگر چه از هزار یک نفر  
 باشد بمقتضای کبریه من احبب نفسا فکانتا احوال الناس جمعا  
 این نیست اقدام را مایه رحمت نشانه سعادت است پس در نیل مرام  
 تمسک بقرآن مجید نمویم و بحبل البین و عروة الوثقی توکل جستم  
 ایای که تاویل و تفسیر شد بظهور حضرت حجة الله الاعظم و جنت  
 ائمه علیهم السلام آنچه متیسر گردید و دست رس باشد باز بیان  
 عبارت واضح و آشکار از تفسیر و تاویل حضرت ائمه است

کتب معتبره علماء اعلام بدون مداخله خودی تفسیر و در  
 بمشاجات آنها محض شمول حرمت الهی و از دنیا بصر جوانان طالب  
 هدایت ترجمه نمایم شاید این بهر ضرورتی بر همت یاد کنند  
 آیا در هر ساعده علی غیبتی و یا عمر کن بعضی اسبابها  
 و با عتقاد اقباس کتب معتبره که مصنفین ضوان الله علیه بعد  
 اختیار کردند تمیز دادن در حقا و حقا و حق و نقل کرده و نوشته اند  
 آحادی که در ضمن ترجمه ایات مناسبت ذکر بیشتر مرسله و شتم  
 یعنی بدن نام بردن از وفاته که با ملاحظه اختصار از بیج هم چنان  
 میباشد ذهن مطالعه کنندگان هم از تعداد بسیار و امشوب  
 نمیکرد و مطلب دست نمورد در خاتمه بعضی هرباشا اگر  
 چنان بصحبت کماله این غول آراه در این معنی مبلعین معاندان  
 گرفتار آیند و چاشنون در قلب پاک صاف و زلال از قاتلین آنا  
 انها خاطره و تشویشی یافتند در جمیع ایات قرانی نمایند که  
 بمقتضای شریف و منزل القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین  
 استشفای کنید زیرا که شفا هر مرضی و رفران بچند که یکی از آنها  
 مبارکش شفا است و دیگر اینکه شفاها با محکمت ایات



قرآن موافق فرموده مفسرین امامیه مطابقت دهد اگر مخالف  
 شد برود و باریزند تا بیک قرآن از ضلالت و ارتداد ایمان  
 و از راه فرو بردن و قیام محکات بملاحظه این است که اکثر مفسرین  
 و طلوع مذاهب باطله بواسطه تاویل و تفسیر کردن آیات و  
 اخبار متشابه از راه کج شدن و بطلان افتاده اند زیرا  
 که تاویل متشابه از عمید مذنب قرآن مجید مکر خدا و رسول  
 او و ائمه علیهم السلام که خداوند میفرماید لَا يَعْزِمُ تَأْوِيلُهُ  
 إِلَّا اللَّهُ وَرَسُولُهُ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ و ملازمان ایشان بمقتضا  
 تمامی تفاسیر شیعه ائمه معصومین است این نکته را بطور یقین  
 دانسته و در نظر داشته باشند هر کس که با محکمات قرآن اخبار  
 محکم حضرت ائمه هدایت بخورد و درین نیاید دیگر بر او و ملازمان  
 و راه نمایی نخواهد شد بجز طعن و نایب امام تفسیر تاویل  
 نماید که اگر غیر امام تاویل و یا تفسیر نماید بمقتا کریمه وَلَا  
 يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا نمی افزاید مکر خسات و کراهی بیداری  
 را چنانچه حاجت با ائمه معصومان ائمه علیهم السلام وارد شده از جمله  
 حدیث شریف (مَنْ قَسَرَ الْقُرْآنَ بِرَأْيِهِ فَقَدْ كَفَرَ) و حدیث شریف  
 دیگر (مَنْ قَسَرَ الْقُرْآنَ بِرَأْيِهِ فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ) و

ایضاً حدیث شریف (قَالَ النَّبِيُّ ﷺ أَلَا خَوْفٌ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي  
 ثَلَاثَ خِصَالٍ أَنْ يَتَأَوَّلُوا الْقُرْآنَ بِغَيْرِ تَأْوِيلِهِ إِلَى آخِرِ  
 الْحَدِّ وَ أَنْ يَنْتَهِبُوا مَعَالِمَ مَدِينَةٍ غَيْرِهَا ثُمَّ أَطْعَمُوا  
 أَهْلَهَا وَ أَنْ يَتَّبِعُوا طَرِيقَ نَبِيٍّ مَكْرَاهٍ مِنْكُمْ وَ طَرِيقَ آيَاتِهِ  
 نَفْلًا كُنْدَ الْإِبَاعَةِ ضَلَالَتٌ وَ مَوْتٌ هَلَاكٌ أَزْدِينَ مِنْ  
 خَارِجٍ مَيِّكُونَ) اما گمانیکه در قلوب ملازمان یعنی کجی است  
 محکات قرآن و اخبار اکتفا گذاشته متشابهات را تعقیب  
 مینمایند چنانکه خداوند تعالی میفرماید (فَأَمَّا الَّذِينَ  
 فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَ  
 ابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ الرَّاسِخُونَ  
 فِي الْعِلْمِ) یعنی اشخاصیکه در قلوب آنها کجی است بجز تابعی  
 شوند متشابهات را بجهت جستن فتنه و بزرگ تحصیل معنائی و عمید  
 معنائی تاویلی از امام که خدا و محکم شوند که خدا در علم و سواد و  
 عمل الباقی با قیاد مفسران اهل مصر با ابو حنیفه فاضل اهل کوفه  
 و مفتی در قضایا متعدد شهر مدینه مجاز جلد ناز و هم  
 است که بطور غلط کاری و جهالت ایشان را بخود ایشان



حضرت باقر ثابت کرده و در اکثر مجالس و تقریرات  
بجهل خود اعتراف کرده اند و هکذا مخالفین عهد مرصوف  
که در کتب اخبار و جامد مرجع است خلاصه عرض از توبه  
ذکر آیات مؤله و مفسر بظهور حضرت ولی عصر جنت سیما ائمه علیهم  
السلام است بدینا پس متوکلا علی الله و هو الموفق و المعین سلا  
بالائمه الأطهار و بالخصوص ولی عصر امام زمان ارواح العالمین  
الغدا در شب و شبانه بیست و دوم شهر جمادی الثانی  
یکبار و سیصد پنجاه و سی و سه مرتبه که شیفات معنوی را به صفیاء  
و شبادی نسبتا نقلا شروع بترک شد امیدوارم که حضرت  
محدث فاضل علم و از باب کمال بانظر عطف از لغزشهای  
قام این پیر فدا شده اغراض نموده و با حسن توجه این تالیف را  
تلفی فرمایند **اِنَّ اَوَّلَ قَوْلِهِمْ فِي سُورَةِ**  
**البَقَرَةِ ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ**  
**الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِنْ اَرْزُقْنَا**  
**هُمْ يُنفِقُونَ** یعنی این کتاب شک نیست در آن راه نمایی  
است از برای پرهیزکاران آن کسانی که ایمان می آورند  
بر غیب بر پا دارند نماز را و از آنچه در و چه کرده ایم ایشان را

۹  
را خرج مینمایند در مجلس بیان غیب اخیر است که ان  
خواست غایب باشد یعنی خواست ظاهر را بر آن تسلط نباشد مثلا  
چشم از آنه ببیند و آنچه چشم از آن نمی بیند در و قسم است که چشم  
بحال است در بیان مثل ذات باری که دیده نمی شود نه در دنیا و نه  
در آخرت عقلا و سمعا عقلا بجهة اینکه ذات مقدس از انواع  
جسم نیست که مرئی بشود سمعا بوجوب آیات قرآن از جمله فراموش  
خداوند (لَنْ تَرِنِي يَا مُوسَى) الا ضربه و در حد فراموشی  
امیر المؤمنین بان اعراب که عرض کرد (تَرِنِي رَبِّكَ) و يَلِك  
لَا تُدْرِكُهُ الْاَبْصَارُ وَلَكِنْ تَذَكَّرُ الْبَصِيرَ حَقَائِقُ الْاِيْمَانِ یعنی شبها  
ظاهر از آن نمی بیند و لکن در آن میکند و در دیده ها باطن حقیقت  
ها ایمان امثال این حد بسیار است قسم دوم غیب است که بیان  
چشم از آنه ببیند همیکه مانع از شد قابل رؤیت است چشم او را  
می بیند مثل برنج و بهشت و دوزخ و حور و غلمان و جوهرات  
حجة الله عجل الله فرجه که پرده حکمت و مصلحت در پیش چشم بندگان  
کشیده شده است همین که مقتضی مصلحت طایفه بشر که غیبا



اذاعمال نماید دنیا و دین است پس آمد مانع از هر چه  
 رفع و برداشته شد آن بزرگوار ظاهر شده و اوقات و روزها  
 بنور جمال خویش روشن میگردد و بدو هر چه شایسته است که بشک  
 پره چنان خفاش طبعنا از فیض شامده عالمی نصیب  
 و کمالها بیک چشم می بیند و در دیده بصیرتشان باز است  
 برای نشان منزل شاهد چشم دیگر مینماید از اینها مجرب  
 نیست اشخاصی که بر باریت طلوع خورشید فایز شده اند کتابها  
 بر آستین بنام و نشان قبیله میهند هستند بدین که مخالفان  
 منصفان از اهل سنت و جماعت از استفاضه کنندگان حضورش  
 در خالیات خود حکایتها کرده اند در کتب شریفه مثل الفایده  
 و الحای فی شرح علی بن ابی طالب علیه السلام مقامها بجم اتفاق و نور الانوار  
 و مشکوٰۃ بروجره رضوان الله علیه غیرم بحدوث او ترسید و مثل  
 انساب و شمس شده است خلاصه در فضایل و این جزو حفظ  
 جمع آیات مشتمله بظهور حضرت حجت و رحمت الله معصوم  
 و علت غایت آن بزرگوار از حضرات محدثین شیعه است که باین  
 مستم القول در کتب معتبره با اطرارش درج فرموده اند

مثل غیبت طریقی و غیبت نعمانی و غیره و جلد سیزدهم  
 مجلسی و احوال الدین صدق علیه الرحمة و کتار الشیخ  
 فی اخبار صاحب الزمان للشیخ الحافظ ابی عبد الله محمد  
 بن یوسف الکنتی الشافعی که در کتب شریفه پنجاه و  
 هجده وفات نموده و بنابر اربع الموده للشیخ سلیمان بن ابراهیم  
 قوندی در باب نود و ششم و میا کتب از شیعه اهل سنت که  
 بر شده اند از دلایل غیبت هر کس که طالب باشد با نهاد  
 نماید تا بر نفی این بنفراید ختم این نکته را اهل بیانت  
 عقیده داده اند که هر چه بر آن که قرین حکمت و مشتمل بر  
 باشد و خالی از مفنکده آن چیز عقلا لطف است لطف  
 بر خداوند عالم واجب است که از ابرندگان خود عطا نماید  
 پس اینکه محبت خود را که لطف است بر بندگان در پیش برده  
 نگذاشته است موافق حکمت و مصلحت است خلاف این  
 خالی از مفنکده دنیوی و اخروی نیست این مطلب کفایت  
 برای کسی که طالب هدایت بوده و بصیرت داشته باشد



البته معلوم کردید که غیب پیر شده بذات بار بخت  
 و آخرت و بهشت و دوزخ و حور و غلمان و بوجو حضرت  
 حجت و در انصاف این صفات بزرگان را امتیاز  
 است مخصوص چنانچه شیخ اجل خواجه نصیر طوسی  
 در دوازده امام خود بدین نهج سارم میکند بغایت  
 بلکه در تمام امتیازات پدران و جدین کواش شرکت  
 مینماید که همه آنها در این جود نازنین جمع است و مناسب  
 که در این دفتر یاد کرده شود تا این است اللهم صل  
 سلم و برک و باریک علی صاحب الدجوة النبوة والصلوة  
 المحمدية والعصمة الفاطمية والحلم الحسني والشماعة  
 الحسينية والعبادة النجادية والدائر الباقية والامار  
 الجعفرية والعلوم الكاظمية والحج الرضوية والجود  
 النورية والنقاوة النورية والهبة العكرية الغيبة  
 الالهية القائم والداعي الى الصديق المطلق الى اخره  
 حدیث آمده که حضرت صادق فرمود که مراد از  
 متقیان که بعین ایمان میاورند اناست که بعین قائم

قرار مینمایند بگویند که ظهور آنحضرت حق است واقع خواهد  
 شد در خبر دیگر فرمود مراد از متقیان شیعیان عالمی و مراد از  
 غیب حجت خداست که غایب خواهد شد **ایم**  
 قوله تعالى ( فارتقبوا فاقب معكم رقيب ) یعنی پیش از  
 بکشید بر من بدرستیکه با شما رقیب یعنی نگهبانم از شما  
 بیان رقیب کسی گویند بدو از حالت غفلت غفلت نماید  
 و مقصودش زایدون غفلت در تحت نظر دارد و تقاب ابلغ  
 از انتظار است **ایم** ( قوله تعالى فانتظروا )  
 معكم من المنتظرین یعنی پیش از انتظار بکشید بدرستیکه من هم با شما  
 از منتظرانم باین انتظار خدا و رسول او ثابت میکند و خود  
 حضرت قائم را زیرا که انتظار خدا بشی محقق و واقع علاقه می کند  
 باحقال موهوم منتظر بود خدا را بر نیست چون عالم بحقایق است  
 مثل بشر نیست که با احتمالات انتظار برد و امر فرمودند که اگر  
 انتظار بزنند وقت ظهور او را چند حدیث بجهت مزید غایت  
 ثواب فضیلت انتظار بردن بنامش حدیث اول از



حضرت رضام مروتیست که رسول خدا فرمود که افضل علمها امت است  
منظور بود نیست بر سید فرج از جانب خدا متعالی **حدیث ششم**  
از حضرت امام زین العابدین روایت شد که در روزی که رسول خدا فرمود  
منظور فرج بودن عیبات است **حدیث ششم** تا از حضرت  
است که عیبت می دوازدهم که وصی رسول خدا و سیما الله است بعد از  
رسول خدا اعتقاد مینماید یا با خالد بدستی که اهل غایت او که به  
امامش قایل و بطورش منظرند از اهل هم زمانها افضل اند زیرا که  
خدا بقیل از عقل و فهم و معرفت تقدیر ایشان عطا فرموده که زمان  
غیبت در دنیا ایشان منزله زمان خصوص مشاهده کرده و گردانیده  
ایشان در این زمان منزله گمانی نمود که در پیش روی رسول خدا بنی بر جهان  
اندایشانند مخلصا حقیقی و شیعیا ما که شیع صد و صداد دارند و  
ایشانند و مکنند کان خلافت بودین خدا در دنیا و اشکارا و  
منظور فرج بودن بزرگتر فرجی است **حدیث چهارم**  
جنا بابر روایت کرده که بخدمت حضرت باقر ع بعد از آنکه اعمال حج را  
تمام کرده هم مشرفا شدیم و او را قانع نمودیم و بخدمتش عرض کردیم  
که یا رسول الله بما وصیتی بضممتی بفرما فرمود که قوی شما بضیق  
یاری کند غنی شما بر فقر شما مهر نایب نماید و هر یکی از شما ببار  
خود بجهت نماید خیرخواهی بکند جناحه برای خود و خیرخواهی  
مینماید و اسرار ملائکات دارند خلافت را بکرم و ناسوت

ع

روایت شد  
ابو خالد  
که بلیست

نکند با مروت و بختی که از فایده می رسد نگاه کنید و در آن حال  
بنماید که او را با قرآن موافق یافت قبول کنید اگر مخالف یافتید  
و اگر امر بر شما مشتبه شود یعنی ندانستید که با قرآن مخالف است طریقی  
توقف کنید و بمارجوع نمائید تا اینکه در خصوص آن بر شما شرح  
بکنیم چیزی را که برای ما شرح کرده شد پس وقتی که بوضوح ما  
عمل نمودید هر آینه از آن تجاوز نمی کنید پس باین حال اگر یکی از  
شما پیش از ظهور قائم و قائات غایب بمنزله شهید می باشد هر که  
قائم نازد در پیش رو او کشته شود و از اجرد و شهید نازد  
می شود و هر که در پیش روی او بیک از دشمنان مابکشد هر آینه  
سحق اجر بپوشیده شهید گردد **حدیث پنجم** از ابی بصیر روایت  
کرده که حضرت صادق فرمود طوبی با برای کسی که در ایام غیبت قائم  
با مروت و چنان بزند و دلش بعد از هدایت یافتن از حق بنگرد  
عرض کردم که فدای تو شوم طوبی چیست فرمود در حق است  
در بهشت که بخشد در قصر علی بن ابیطالب است هیچ مؤمن نیست  
مگر اینکه شاخ از شاخه های آن در قصر وی میباشد این  
است معنی قول خدا بقیل طوبی لهم و حسن مآب  
**حدیث ششم** کتاب خضار را یکبار از امیر المؤمنین

ع

بیتانید  
ع



روایت کرده که آنحضرت فرمود منظر فرج باشد از رحمت خدا  
نومید نبوی را که دوست برین علما نزد خداست و انظار فرج  
است بعد از آن فرمود که کند کوهها از پنج استراحت و مدار  
نمود و قرار کند با بادشاهی که بعد سلطان طول یافته باشد پس  
و این باب از حدیث اعانت یارب علیه صبر کنید زیرا که درین ملائکه  
بان اوست هر که داند و نبیند کوه که بر آن کوه عاقبت در بر گرفته  
است باین امر پس از رسیدن بجهل میکند که باعث پشیمانی میشود این حد  
و بطول می شمارد که موجب دلها می شود هر که با دریا چنگ براند  
هر آنکه در جایگاه قدر با ما باشد هر که منظر ظهور آخرت است  
کلیت که در را خدا بخون و غلطی است **حدیث هفتم**  
از حضرت علی بن الحسین روا شده که آن بزرگوار فرمود که هر که در ایام  
غیبت قائم را در لایت دوستی ثابت باشد هر آنکه خدا تعالی  
عطا میکند و اجر هر آنکه فرستد که مانند هدایت و اهدا  
**حدیث هشتم** شخصی عبا از جد سیدک باشد گفته  
که بخدمت حضرت شاق عرض کردم که چه می فرماید حضور

کسی که با انتظار و از وی این مروقات باید فرمود و او به  
منزله کبری است که با رسول خدا و در بر جنه که در وقت  
ظهور برای آن حضرت برپا میشود این را فرمود اندک زمانی بگو  
نمود بعد از آن فرمود و منزله کبری است که با رسول خدا باشد  
**حدیث نهم** عبدالحجید را سبطی و کت کرده که بخدمت  
حضرت باقر عرض کردم که خدا کارها را اصلاح نماید بخدا  
سؤ کند یا میکند هر آنکه باین انتظار این امر باز دارد که در دم  
و از داد ستد است بر داشتیم بعد که نزدیک شد از غایت  
و پیچیده سائل بگفت بشوم فرمود ای عبدالحجید یا جنان که  
می بینی که نفس خود را بر بندگی منحصر کند خدا او را فرزند دهد  
اوی بخدا سؤ کند هر آنکه خداوند عالم فرمود که شایسته عطا فرماید  
خدا رحمت کند بنده را که نفس خود را با طاعت انقیاداً منحصر نماید  
خدا رحمت کند بنده را که از نماز اجتناکد عرض کردم که اگر پیش  
از یافتن قائم وفات نمایم حال من چگونه میشود فرمود کسی که از شما  
میگوید که اگر قائم مراد را نیامد هر آنکه با وضو یاری میکنم بمنزله



کسی است که در مقام حضرت بشیر خود چنان نماید و کند  
 کسی است که در مقام شهادت خود برای او در بابت شهادت آن  
 افتاد باشد **حدیثی هم** عبد الله بن ساری  
 کرد از حضرت صفی که آنحضرت فرمود که رسول خدا فرمود که بعد  
 شما قومی می آیند که یک مرد را از ایشان اجرت ثواب بخواهند بفرستند  
 می آید عرض کردند که یا رسول الله ما در جنگ بود و احد خنجر  
 دست خود بودیم قرآن هم در خصلت ما نازل شد پس چگونه میشود که  
 ما بهتر نباشیم فرمود اگر شما بپاشوید بشاید یک دوازده که ایشان  
 و بجا خواهد شد هرگز به مانند صبر ایشان نخواهد کرد  
**حدیث یازی هم** علی بن حشیش بن عقیقه از جدش روایت کرده که  
 عرض کردم بخداست حضرت صفی که ایام قریه خواهد شد و مسلمانان  
 امام خود را در آن ایام نخواهند شناخت فرمود که چنین گفته  
 شود که مشکوئی یعنی چنین خواهد شد عرض کردم پس در آنوقت  
 چه بر رفتار کنیم فرمود که اگر این فترت واقع شد بطریق  
 در آن وقت باید چنانکه بزرگان و بزرگان را بکشند و بقیه دیگر

برای شما ظاهر شود **حدیثی و از هم** در  
 روایت می کند که حضرت صفی فرمود که محاصره هلال می شود  
 عرض کردند محاصره چیست فرمود بچهار کشتگان بنام هور و فرج و نجاشی  
 و بنی امیه و مقربان یعنی کسانی که میگویند فرج نزدیک است بنام  
 ان امیر میشوند یا امان که بپشت یافان در رد رحا الهی  
 این مقام صبر میکنند و قتی که حصار دولت مخالفان روی  
 بنا بر استقرار بهم رسانند یعنی امور سلطنتشان تمام گرفت محکم  
 کردید بنا بر این در خانه ها بنشینند یعنی برای طلب خلافت  
 برای ما هانیان باشد زیرا که ضرر نیست بکسی میرسد که برابر آنکند  
 هر وقت که ایشان در بار شما آمده از بیت منما بیا بیا  
 ایشانرا بمغله گرفتار میکند که ایشانرا از اینجا راند و فرزند  
 باز میگردانند این حدیث شریف ابو بکر خضری روایت کرده  
 روایت کرده او گفته که من و ابان بن تغلبه خدمت حضرت  
 صفی آمد مشرف شدیم در زمانیکه علمای شیعه در نواحی  
 خراسان ظاهر شده بودند و بخدمت آن حضرت آمدند و بگفتند  
 که ایارای تو در این بنا چیست فرمود که در خانه ها بنشینید



وقت که مارا دیدید بر سر مردی جمع شده ایم آنوقت آنجا  
 جنگ برداشته بگوئید **بیان** نتیجه از ذکر  
 دوازده صفت است که در زمان غیبت انتظار فرج بردارید  
 برون بپوشانم سوختن آن بگازد که راه خدا یسار ثبات قد  
 در حجاب من و صبرم و در فاملا و بلیا و فساد خالقان و عد  
 بجزایر و کثرت امام زمان و سکوت مشایخ ائمه اخبار و کثرت  
 سر برادران پی و دفع قضا احتیاج ایشان و تابع شدن مؤمن  
 ها علی اعلام و حضور حج اسلام کثرت مسالمت و مدعی و س  
 السلام خلا لاهم و دگرش خانه نشستن در هاب و خوب کین ان  
 مخالطه غیر ضروری است از زمان در هزاره و اخلافت الحوائج  
 طلب و کنار شدن از بدعتا و اهل بدعت و طیفه مؤمنین غلب  
 از دفع فتنه و خلافت است **خواج** هر مایه بی منت طلب  
 دام سخت است مگر یار رسول طوط خدا و زنه آدم بر سر فرشتگان  
 در خانه آمدن از ان بطلعت غراء و انتظار بر ندگان دوست  
 حق محمدی بمضمون این شعر مترجم اند و بر نیال حال گویند

این در حق بر سر مردی جمع شده ایم	سایه شین چند بود افتاب
منتظر از ابله آمدن فتنه	این تو فریاد بفریاد رس
شعله قوی قافله تنها چو	قلب تو داری علم اینجا چو
سکه توزن تا آخر کم زنده	خطبه تو خوان تا خطبایم کشند
باز کن این مسند از اسود	خس کن این کبر از الود کان
ما همه حمیم بیجا تو باش	ما همه دیوم سلمان تو باش

**دالیه چهارم**

قوله تعالی آتی امر الله قتلنا تنجی فی سورة النحل  
 یعنی ما امر خدا پس شتاب نکنید بان در خصوص این ایه  
 کرمه عبد الله بن کثیر روایت کرده که آنحضرت فرمود که امرنا یعنی  
 ظهور قائم عیاست از امر خدا که در خصوص آن بجهل نباید کرد این  
 سه لشکر قوت مییابد یکی ملائکه دوم مؤمنان سیم و عب  
 خوف ما است که در راه کادشمنان می باشد و خروج قائم مثل آخر  
 رسول خدا است و اینکه کفه معنی قول خداست که اخر حیات  
 ربک من بدیک بالحق یعنی چنانچه ترا خدای تعالی از خانه ات بخرد  
 و بسوی پروان آورد از حضرت باقر روایت شده که شتاب کنند  
 کان در خصوص ظهور این امر هلاک میشوند یعنی از دین



و اعتقاد خودشان بر میگرددند و خجالت می نمایند تا آنکه امترا  
نزدیک میشتارند و بظهورشان میدوایند و میشوند جابر روضه ان  
حضرت باقره روایت نموده که آنحضرت فرمود که مثل کسی که از  
ما اهل بیت پیش از این در قافله خروج کند مثل چاه مرغان است  
که ببرد و بوزنند و بگویند اطفال با آن بازی کنند و اینها  
جابر بن یزید از حضرت باقره روایت نموده که آنحضرت فرمودند  
شوید و از ام بگردید ما را میگوید اسمانها و زمین قرار گرفته  
یعنی بر احدی خروج نمیکند که این امر یعنی اینکه خلاف جهت  
مانست مخفی و پنهان نیست آگاه باشید این امر برای خداست  
بما رسیدند نه از خدایون که آن از آفتاب و شمس تراست یعنی سراسر  
پایه ما برای خداست از آفتاب شکار است یا صبح را میباشند  
امروز را امشب است که در آن خفا و پنهانی و پنهان در دین  
حدیث میفرماید کسانی که این امر را تمام میکنند بطوریکه  
در مقام استقامت باشند در روع گویا شدند یعنی در اذعان  
در استقامت و بندگی خدا از این بصیرت روایت شد  
افکنند که بخدمت حضرت شاقم عرض کردم که فدای  
تو شوم فرج کی خواهد شد فرمود ای بی بصیرت از کشتن

هستی که اراده تحصیل مال را دارند زیرا که هر که این را بشناسد  
یعنی بداند که نه مال محترم است غیبت نمودن و بازماندن از حق  
ظاهر خواهد شد و غفلت ظهوری باشد هر این همه را بشناسد  
و بی فرج است پس باید در این فرج شتاب نمودن بعد از آنحضرت  
دلیل است بر اینکه آن شتاب و تحصیل برای فرج دین است و تحصیل  
مال بجا دین و با شدن برای فرج دینی زیرا که فرج دینی با بظن  
خاصل شد آن **ایضا** مجلسی روایت نموده که در این یک حدیث  
میفرماید که بعد از آن نبوت میرزا کاه را میگردانم با پایش که عشت  
رحمت است بر عالمیان دوست کائنات یعنی نورانیت و حق جل جلاله به  
رومی و ستار من و زمام من یعنی زمام بختش دلیل میشود بر هادیشان  
مانند سر کلاه طایفه ترک و دین از دست خواری پائین میشود پس  
کشتن سوارانده میشوند در آن زمان ترسانان هر که اینها باشند در  
زمین چون رنگین میشوند و ناله در میان ایشان شکار کرد و در  
دست احقر منند همه فتند و گماشدید را ببرکت ایشاد دفع میکنم  
و ایشان ترزان و اضطراب از خلاق زایل میگردد و شوق و بلا  
هارا دفع می نمایم بر ایشان با رحمتی پرورده کاد عالم ایشان

در سیر  
مجاز



هدایت یافتگان ایضا در ذیل حدیث مفصل ابن عمر  
 حضرت صاق هر روایت میکند که خدا بی‌غالی دانسته است که  
 در حضور حضرت در حال غیبت دوستانش شک نمی‌کنند و  
 اگر میدانست که در این باب و ایشان هم مانند دشمنانشان  
 میشود هر اینه تحت خود را این لحظه غایب نمی‌کرد ایند بر این  
 واقع نمی‌شود مگر بر اشرار ایضا حضرت صاق بر و است که  
 حضرت فرموده که بر خدا بی‌غالی واجب است که شیعه با غیبت  
 امتحان نماید پس در این مقام باطل شک می‌کنند و از آن می‌گویند  
 عرض کردم فدای تو بشوم اگر آن زمان مردی را می‌دیدم چه باید کرد  
 اگر آن زمان از دنیای این دعا ملا و متکن اللهم عرّفني نفسك  
 فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعْرِفْنِي نَفْسِكَ لَمْ أَعْرِفْ نَفْسَكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي  
 وَمَوْلَاكَ فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعْرِفْنِي سَيُولَاكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ  
 عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعْرِفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ  
 دِينِي وَنَبِيِّهِ عَبْدُ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ رَوَيْتَ أَنَّكَ كَهْفَتِ  
 صَاقَ فَرَمُوهُ بَرَدِ شَهْمَهُ بِنَامِرِ بْنِ دَرِثَمٍ

شبهه اما می‌نویسند که هدایت کنند از ان خیمه جهالت می‌نمایند  
 که با دعا غریبی و غایبند عرض کردم که دعا غریبی چگونه است  
 که چنین می‌گوید یا الله یا رحمن یا رحیم یا مقلب القلوب یقلب قلبی  
 علیٰ نَفْسِكَ **ایدر پنجم** قوله فی سورة الاحقاف  
 وَذَٰلِكَ یَوْمَ یَكُونُ نَجْمٌ مُّذْمُومٌ یَوْمَ یَأْتِی بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ  
 لَا یَنْفَعُ نَفْسًا اِیمَانُهَا لَمْ تَكُنْ اٰمَنَتْ مِنْ قَبْلُ وَاُولَٰئِكَ فِیْ اٰیَاتِنَا خَبْرًا  
 قُلْ اَنْظِرُوْا اَنَا مُنْتَظِرٌ خَاصِلٌ مَعَهُ ایه شریفه این است در روزی که  
 بعضی آیات علامه الهی ظاهر شود کسانی که پیش از آن روز با نامت حضرت  
 اعتقاد کرده اند یا اینکه اعتقاد کرده اند لکن در ایام اعتقادشان  
 عمل نکرده اند هر اینه اعتقادشان از روز باقامت حضرت  
 ایشان نفع نخواهد بخشید بعد از آن فرمود که طوبی با و کشفیاق ام  
 تا که در ایام غیبت و بظهورش منتظر و در زمان ظهورش با حرا  
 مطیع بشناسند و دستا خدا که لا خوف علیهم ولا هم یَحْزَنُونَ  
 حضرت صاق بابی بصیر فرمود که آن روایات است از روز خروج  
 منتظر که از ما اهل بیت است بیا در اینکه آن روز خروج



حضرت حجت است حرف نیست اگر معاندین بغض گویند  
 که در قیامت است و چه نخواهد داشت زیرا که قیامت روز  
 جزا است نه رد تکلیف و عمل پس باید که در این دنیا باشد که ایمان  
 آورده آن صفت ندهد و الا در آخرت تکلیف ایمان ایمان آوردن  
 نیست مراد از ایمان بنا بقول امام اعتقاد کردن با امامت است و  
 دوش یازده معصوم این قرآن بنوده که کسی ایمان آورد و با و نفع  
 بخشد پس معین شد که اخلاص این با ایمان ظهور امام و از دست  
**این ششم** قوله فی سورة البقرة در آیه صد پناه و حجت  
 و انبلو تکلم بکلی من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الا نفرو  
 الثمات و کثیر الضایرین ظاهر آیه شریفه یعنی البته امتحان می  
 کند شما را با چیز قلبدی از ترس و نیاز و کمبود و با کم شدن اموال  
 و تشنگی و مشقه و در هر یک بعد بجهت کند که آن را جابر جعفری نقل  
 است که از راهی که پرسیده از بعضی آیه در حق جابر بعضی از  
 معصومان این آیه عام است که پس است در خوف خدا و ندهد عالم انرا  
 بدستمان ال محمد و معصوم میگرداند پس آن که پس از ایشان  
 هلاکت می داند و بعد عام است در شام است پس باهل

النجاه خواه دشمن ال محمد و خواه دوست ایشان باشد هم و کسی  
 بنوعی میرسد که اصلا مانند نماندند آمد و رسیدن گرسنگی به  
 ایشان پس از قیام قائم و رسیدن بهم بعد از قیام آن حضرت است  
**این هفتم** قوله البقرة در آیه صد چهل هفت و  
 تعالی فاستبقوا الخیرات ایما تگوروا یا تیکم الله جمیعاً  
 یعنی پس سبقت کنید بخریات در هر جا باشد میا و در  
 خداوند همگی ابو خالد روایت میکند که حضرت با قرآن  
 فرمود که مراد از خیرات ولایت ما است و قول خدا تعالی  
 ایما تگوروا یا تیکم الله جمیعاً عبارت از آنجا حضرت  
 قائم که سیصد سیزده نفرند بعد از آن فرمود که بخند  
 سو کنید یا می کنم هر آینه ایشانند امت معتقد که در  
 قرآن است بخند سو کنید یا می کنم هر آینه ایشان در یکجا  
 مانند انبیا و پیغمبر میشوند در روایت دیگر هر وقتی که قائم  
 ع قیام نماید خدا تعالی شعبه را نود و نهم شهرها جمع  
 میکند بیاجمع شکان و لیا الله را که انصاف حضرت



حضرت حجت است حریفیت اگر معاندین بغض گویند  
 که در قیامت است و چه نخواهد داشت زیرا که قیامت روز  
 جزا است نه رد و تکلیف و عمل پس باید که در این دنیا باشد که ایمان  
 آوردن صفت ندهد و الا در آخرت تکلیف ایمان ایمان آوردن  
 نیست عزادار ایمان بنا بقول امام اعتقاد کردن با امامت است و  
 دوش یازده معصومین قرابنده که کسی ایمان آورد و با و نفع  
 بخشد پس معین شد که اخلاص این با ایمان ظهور آمد و از دست  
**ایستاد** قولته فیه البقرة در آیه صد و پنجاه و  
 و تبارک و تعالی یٰۤاٰیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا اَمْرَ الْمُشْرِکِیْنَ  
 التَّوْبَةُ وَ کَثْرَةُ الصَّابِرِیْنَ ظاهر آیه شریفه معنی التَّوْبَةُ  
 که به شمار با پیغمبر و از ترسیدن و گرسنگی با کم شدن از اموال  
 و نفسها و مشوره و به بد و بجهت کند که از جابر جعفری روایت  
 است که از دست یوسیه از بقیه آیه فرمود با جابر بعضی از  
 معصومین آیه حاضریت گرسنگی است در روز خداوند عالم از  
 بد دشمنان آل محمد مخصوم میگردد پس آن گرسنگی ایشان  
 هلاکت میکند و آنده عام است در شام است پس باهل

انجا خواه دشمنان آل محمد و خواه دوست ایشان باشد هم و گرسنگی  
 بنوعی میرسد که اصلا مانند زانند آمد و رسید گرسنگی به  
 ایشان پیش از قیامت قائم و در یک به بعد از قیامت آن حضرت است  
**در عقاب** البقرة در آیه صد و پنجاه و  
 تعالی فَاٰتِیْبِقُوا الْاَحْزَابَ اَیْمًا تَكُوْنُوْنَ اَیَّاتٍ بِکُمْ اَللّٰهُ جَمِیْعًا  
 یعنی پس سبقت کنید بر خیزات در هر جا باشد میا و در  
 خداوند همگی ابو خالد روایت میکند که حضرت با قرآن  
 فرمود که عزادار خیزات ولایت ما است قول خدا تعالی  
 اَیْمًا تَكُوْنُوْنَ اَیَّاتٍ بِکُمْ اَللّٰهُ جَمِیْعًا عبارت از آنجا حضرت  
 قائم که سیصد و نوزده نفرند بعد از آن فرمود که بخند  
 سو کنند یاد میکنم هر آینه ایشانند امت موعود که در  
 قرآن است بخند سو کنند یا میکنم هر آینه ایشان در یکجا  
 مانند نو یا شریع میشوند در روایت دیگر هر وقتی که  
 ع قیام نماید خدا تعالی شعبه را نزد وی از همه شهرها جمع  
 میکند پس اجمع شد اولیاء الله را که انصاف حضرت



ولی الله اعظم ارواحنا فاده هستند الحاق بن یک رباعی  
 مناسب فاد تا شوند کان راجع شدن ایشان در یکیا عت  
 تعجب نیاید اصف بن برخیا بعتن را با تحت می ات  
 سبب آورد باین علم را کرد طی زود تر از خضر چینی  
 اندام بر وی الله عطا کردید علم کل شی امر  
 هشتم فی سوره یونس در آیه سومی چچام قوله اقن  
 یهدی الی الحق الحق ان یتبع امر لا یهدی الی الا ان یتبع  
 فالکم گفت تخموت ظام معنی با پر کسیکه هدایت میکند  
 یته ره می نما باند سر و راست اینکه مطوع شود معنی تعبت  
 کرد شود یا ان کسیکه هدایت نمی باید یعنی خودش راه نمی باید  
 مکنانکه هدایت کرده شود یعنی راه نموده شود پس چیست شمار  
 چطور حکم میکنید اسماعیل بن صبار روایت کرده که از شعی  
 شنید که از سیف بن عمیر معنی نقل میکرد می گفت که در نزد ابی  
 جعفر و ابی موسی بودم از او شنیدم که آنکه از پرسید سومی گفت که  
 یاسیف بن هر هاجا است اندا کنند که بنام مردی اولاد  
 ابی طالب ندا میکند عرض کردم که یا امر المؤمنین

مثال بن حدیث را هرگز نشنیده بودم گفت یاسیف وقتی که  
 این ندا واقع کردید ها اول کتاب می باشد که بان مرد اجاب  
 میکنند گاه شوید که ان شخص یکی از عمو زار کان شما است گفت  
 مرد بیت از اولاد فاطمه بعد از ان گفت اگر این حدیث را از  
 امام محمد باقر معنی شنیدم و همه اهل زبان از او بمن نقل می  
 کردند مرا این قبول نمی کردم لیکن از امام محمد باقر شنیدم  
**بیان** ابی جعفر منصوص عقیدت مید که هر خبری که از غیر امام  
 برسد احتمال کذب در آن میرود زیرا که در غیر امام عصمت نیست  
 که مانع از دروغ و سبام خاص باشد بخلاف حدیث که از امام  
 باشد که امکان کذب در آن نمی رود و باید تصدیق کرد  
 بواسطه عصمتی که در جواب او هست **این نص**  
 سوفصلت دایه بنجاه دومی قوله سنر یهم ابائنا فی  
 فی الا فاق و فی انفسهم حتی یقین لهم انه الحق ترجمه یعنی  
 نشان خواهیم داد آیات خود ما نزد اطراف عالم و در کتبها  
 ایشان ظاهر و آشکار کردیم بر آنها اینکه او حق است **تعلیه**  
 از طیار و از خضر شافیه روایت نموده که ان حضرت فرمود که



ایات خدا که انصار را بایشان بعد ازین خواهد نمود فرمودن  
 زمین و منخ شدن دشمنان آل محمد و انداختن ایشان است  
 راوی گوید که خدمت آنحضرت عرض کردم که مراد از بقیعین لهم  
 چیست فرمودن از بگذران قیام قائم است **ایامی**  
 در مکه بسیار در این مسجد قالتم و قد رفاهها التیر سیر  
 فیها لیا لی ایاماً امینین یعنی سیر کنید در آن یعنی در زمین شهرها  
 و در زمان حال که دامن هستید شبح صدق در علل الشرایع از  
 حضرت صادق روایت کرده که از ابو حنیفه پرسید این امنیت  
 کدام شهر این است از بقعه مکه و زمین ابو حنیفه در آن گفت  
 مکان دارم که آن شهر این مکه و مدینه باشد پس آن حضرت  
 با صحابه متوجه شد فرمود که ایامیدانید که در مکه و مدینه  
 خلافت برید میشود و اموالشان از ایشان گرفته میشود و از خود  
 مظاهر جمع نمی شوند تا آنکه کشته میگردند ایشان عرض کردند  
 که اگر چنین است که من این را به ابو حنیفه سناکت شد بعد از  
 آن از حضرت با فرمود که یا اباحنیفه خبر ده من از قول خداست  
 و من دخیل کان اینها یعنی مکه که با بنی نضیر داخل شود در آن  
 آن حضرت از او پرسید آن شهر این که هر کس با بنی نضیر داخل شود

همه  
 از بنی نضیر

در امن میباشد کدام است ابو حنیفه گفت کعبه آن حضرت  
 فرمود که یا اباحنیفه که حاج بن یوسف پسر زبیر را در  
 کعبه بالای منبر گذاشت و او را کشت یا بنابر این  
 پس پسر را من بود راوی گوید پس ابو حنیفه نیز گفت  
 خوب گفت است شاعر این بیت را در این مورد  
 فَإِنَّ كِبَرَ الْقَوْمِ لَا عِلْمَ عِنْدَكَ صَخْرًا ذَا الثَّقَلَيْنِ الْحَافِلِ  
 یعنی پس بدستیکه بزرگ قوم که نباشد علم و دانش در نزد  
 او و کوه است همانیکه اجتماع کند بر او و انجمنها و صهی که ابو  
 حنیفه از مجلس آن حضرت بیرون رفت ابو بکر حضرت می گفت  
 آن حضرت عرض کرد که فدای تو سویم جواب بن دو مسئله  
 فرمود یا ابابکر ای سیر و اقامه لیا لی و ایاماً امینین عبد  
 است از سیر کردن و اموال با قائم ما اهل بیت یعنی پس  
 که در ایام ظهورش در خد متش را می بیند و در امن می نماند  
 و معنوی و من دخیل کار اینها این است که هر کس به  
 بیعت قائم داخل شود و بد مبارک کند دست نه او داخل  
 صحاب آنحضرت شود در امن است و آخر حاشا فظ میفرماید



عقاب جور کشاده است بال در شهر و حیر میگویم مگر  
 ولایت اندر که مافان اباد است **ایزد و ان**  
**ی** **هم** قالتم فی سورة النمل **امتن بحیب المضطر انا**  
**ونکشف الثور و یجعلکم خلقاء فی الارض یعنی با ما خدا**  
 کدام شخص غما مضطر در وقتی که خدا را بخواند قبول میکند  
 چه حاجت است تا بین چهره امین دعا می کند و مستجاب می گردد  
 و شمار می گرداند خلیفه ملک و زمین می کند در دین جدیدی  
 حضرت ابو جعفر فرمود که بخدا سوگند یا می کنم هر آنکه او است  
 ان مضطر که خدای عزوجل در کتاب خود فرمود پس ای ایزد  
 تلاوت فرمود **امتن بحیب المضطر انا دعا الی خیر** **ی**  
 قولتم فی سورة الرحمن **ایه چهل یک** **تعرّف المجرمون لیها**  
**فبؤخک بالنواصی الاقدام یعنی که کلان از شما خود را**  
 شناخته می شوند پس از پشای و بایها شناخته می شوند در  
 خبر است که حضرت صادق از معایره دهنی پرسید با معویه در  
 خصوص این آیه چه میگویند عرض کرد که چنان گمان می

کنند

که خدا بقیه در روز قیامت کند کار از ان صورت و سیاهی  
 ایشان می شناسد پس از پشای و بایها شناخته می شوند در  
 انداخته می شوند از حضرت فرمود که خدا بقیه از چگونگی احتیاج ندارد  
 بشناختن مخلوقی که خود او را خلق و ایجاد کرده تا اینکه بگویند که خدا  
 ایشان را از صورت و سیاهی شناسد عرض کردم که فدای تو شوم پس معنی  
 آیه چه میشود فرمود وقتی که قائم ماقیام میکند خدا او را چنان میفرماید  
 که خلافتی را از صورت و سیاهی شناسد امر میکند که از پشای و بایها  
 می گرداند باشد و منجی نمیشود و میزند **ایه چهل یک**  
 قولتم فی سورة النمل **افغیر دین الله یغون و لا اسکم من**  
**السموات الارض طوعا و کرها و الیه یرجون** **ایه هشتاد و یکم**  
 ظاهر معنی ایا پس غیر از دین خدا را بچگونگی حال آنکه برادر  
 مطیع منقاد شده اند که اسما نهاده اند که در میان است بار  
 از صمیم قلب باره با کراه از این بکبر و ایت است که او می  
 گوید **یا بولحسن** رسیدم از قول خدا **تبعوا و لا اسکم الخ**  
 فرمود که در شان قائم نازل شد وقتی که آنحضرت بر  
 یحیی و نصار و آنانکه بر ملائکه عبات میکنند بر زمین  
 نهند بی کسی را گویند که بدین باشد یا اینکه در هر احوال مداند



و مرتدان و کافران و شرک و غریب بین خروج میکنند  
و اسلام را برایشان تکلیف مینماید پس هر که از ایشان به  
صمیم قلب اسلام را قبول نماید و را به نماز و زکوة و بصران  
چیزیکه مسلمانان با هم موم میشوند و آن برای خدا برگردان و  
واجب است مرا میکنند هر که اسلام نیاورد و برگردان نشوند حتی  
در بلاد شرق و غرب حد باقی بمانند مگر اینکه خدا را تو  
میکند فرض کردم خدا تو شوم خلاص تر بیاند چاونه میشود  
ایشان را با اسلام آورد یا بقتل رساند فرمود که خداوند کافری  
که چیزی را اراده نمود بسیار کم و کم را بسیار میکند و او  
تواناست چون خالق و ذوقنا از انست نامند پروردگار  
**اِنَّ دَانِيَهُمْ قَوْلُكَ اَفِي هُوَ دَرَاهِمُهُمْ وَلَئِنْ**  
**اَخْرَجْنَاهُمُ الْقَتْلَ اِلَى اُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ يَعْنِي اَكْرَهًا بَرَايَا**  
تا وقت خروج امة معدودة تا خیر نایم، حضرت ابی جعفر در حدیث  
و ترفیع بیصدقه نفر صاحبانم و فرمود خدا سوگند میکنم  
هرینه ایشانند امت معدودة بعد از آن فرمود که انشاء الله  
ساعتی مانند برها وقت پائین جمع میشوند **لَوْ لَقِي**



یعنی مثل اینکه سگ میاندازند بتار یکی یعنی بطن و کمان  
 و کلمه میکنند و کلمه میکنند بآن چه ظاهر شده است از برای  
 و ظاهر من مکتوبات یعنی بعد نقض ازمان تکلیف بدستگیر  
 آنها طلب کرده اند غایت از جای که دست نمیرسد حال آنکه بود  
 بر آنها غایت بداند شد از جای که دست نمیرسد ممکن بود که  
**تفسیر صاحب** مذکور است که معانی بفارسی نزدیک باین  
 که در خدمت حضرت موسی ذکر شد فسرده را باین اهل مشرق و  
 مغرب فرستاد پس در چندی که آنها در خیال هستند خروج میکنند  
 آنها سفینای از وادیا بر تانازل میشود بدشت پس برانگیزاند  
 و لشکر لشکر بگو مشرق و دیگر بگو بدین تا اینکه نازل  
 میشوند بر زمین بابل که از بدین ملعونه است بعد بعد از  
 پس میکنند در آن زیاده از سه هزار نفر و سوار میکنند  
 از صد و نوبت پس سیصد قوچ یعنی مرد شجاع از بنی عیسا  
 بعد از آن میریزند بکوفه پس خراب میکنند اطراف آنرا بعد از  
 میشوند و میاورند بگو شام پس خارج میشوند بیک هفتاد  
 از کوفه پس میخورند باین فتن پس میکنند آنها را خلاص نمی

تفسیر

شود از ایشان خبر دهند و میگیرند آنچه را که در دست  
 ایشان است از اسیران غنائم و داخل میشود و هم بعد  
 پس غارت میکنند بخاراسه و در سر شب بعد از آن  
 خارج میشوند و میاورند بگو مکه تا اینکه میباشند  
 در پید میشوند و جبریل پس میرند بایا پی خوضرتی و فری  
 برد خدا ان لشکر در مردان و در نمی کرد و از آنها دار  
 دو نفر از جهنم پس از اینجا است که مثل شدن است  
 عند جهنم الخیر البقیه در خبر است که نام آنها و تیره  
 است و ویها ایشان به پس کرد اینده فی ثوبه پس پس راه  
 میروند بجات یافتن آن دو نفر برای این است که در هر  
 لشکرشان را بفرید دهند در وایت دیگر نام یکی لشیر و از  
 دیگر بفرید اندک نزد حضرت قائم میرود نام او بشیر و نام  
 آن دیگر که نزد سفینا میرود بفرید احتمال میرود که  
 این دو نام اخیر نام دو پسران دمر باشد باین معنی بلکه  
 که ویها ایشان را بقبول کردند باین نامها فاطمه  
 داشته باشد و بآنکه خدمت حضرت حجت میرود و باو

است



میگوید بدست مبان حضرت قائم م توبه کن ان  
 هم توبه میکند و قبول میشود از اینجا است که گفتند  
 اند سعات شقاوت تا آخر عمر با انسان همراه رقیب  
 یکدیگر میکنند تا کلام د آخر غالب آید **مؤلف**  
 سعات شقاوت اگر پیش و رکم با انسان رفیق اند تا آخر  
**این جمله** قوله تم فی سور الانفال در آیه سی و نهم  
 وَقَالُوا هُمْ حَتَّى لَا تُكُونَ فَتْنَةً وَيَكُونَ آلِ بْنِ كَلَهٍ لِلَّهِ  
 یعنی ایشان قتال بکنید تا اینکه فتنه واقع نشود  
 همه دینها از بر خدا باشد ابو جعفر فرمود بخدا سو کنید  
 میکنم هرگز این را با کفار قائم نمی بینم تا اینکه خدا بخواهد  
 کرده شود با و شرک قرار داد نشود و تا اینکه پیر زنی از شرق  
 زمین برخیزد و بمغرب زمین بیاید و احد با و متعرض نشود  
 و خداوند عالم در آن روز همه های زمین را میر و پادشاه  
 از آسمان بآتش مبارک اند و خلافت خارج خود را بر پشت  
 گرفته بخدمت مهتک میاورند **این فو**  
 قوله تم فی سورة الانبیاء در آیه دوازدهم قل

احسن

احسن و باستانا اذ هم منهم یترکضون لا ترکضوا و  
 ارجعوا الی ما اترفتم فیهِ و من اکنکم لعلکم تشاکون  
 قالوا یا و یلینا انا کنا ظالمین فما زالت تلك عن عیونهم  
 حتی جعلناهم خامدین در وقتیکه کفار شدند خام  
 ما را دیدند تاگاه اذان بخار به میگریزند نگرینند بسوی  
 خزیند هائیکه بیت نظامیان گردید بمسکنهای خود  
 برگردید مید هکت که از اینها سوال کرده شوید بگویند  
 ای وای بر ما بدستیکه ما از جمله ظالمان بودیم پس این کلمه  
 برای ایشان در زبان گردید تا وقتیکه ایشان مانند فصل  
 زراعت بریدیم و از پادشاهان و درویشان خود شاخه  
 گردانیدیم بعد از آن ابو جعفر فرمود که قائم از بنی امیه  
 باقی نمیگذارد که خبر بر و این جنگ در سر زمین کوفه واقع  
 میشود بمقادیر دیگر امام میفرماید بنی امیه احد از ایشان  
 را که از خندق بیست کوفه بگذرد که خبر بر بلکه کشته می  
 شوند بعد از آن داخل کوفه میشود و این بعد از بر کشتن  
 از مدینه میشود ابو جعفر میفرماید که کوی اصحاب قائم

حصید



را می بینم که بجهت شرف بال هر چند که در آنها قصد میزد که  
 نهند کویا که دلهایشان آهن ناره ها هستند و بر شایه و  
 سمت راست و در میکانیل در دست چپ میباشند و رعایت  
 یکماه را از دست پیر و یکماه را از سمت پشت سر میروند  
 بد که هاد شمشاد نشینند خداوند کردگار را پنج هزار ملک مسموم  
 یعنی ملکی که علامت نشانه دارد با آن نشانه و آتش جنان شمشاد  
 میشوند با وحایت یاری میکنند تا اینکه بجهت شرف بال از سر  
 در الحال با صبحا غوی فرماید که اشد با طاعت عبادت بکنند  
 پس ایشان بار کوع بخود گیرند و زرد شنب بتو میکنند و تقی  
 حضرت صبح میکنند صفر ماید که بیایند و بخند را با ما پیش  
 بگردید و در وقت اطراف کوفه خندق میشود عرض کردند یا اطراف  
 خندق میشود فرموداری بخند و کنیاد میکنم پس آنحضرت  
 بخند را پیش کرد تا اینکه در بخند مسجد براهیم میرسد  
 رکعت نماز را بخند میکند وقت لشکر سفیانی در کوفه از  
 طایفه مرجیه غیر ایشان بر آنحضرت خروج مینمایند پس آن  
 حضرت با اصحاب خود میفرماید که بر ایشان حمله کنید

در برای جنگ با ایشان و فرارید **ایم بسیرت**  
 من سورة التوبة ذلایم میتر هو الذی ارسل رسولک  
 بالهدی و دین الحق علی الذین کفر و لو کره  
 المشکوکات یعنی است آنکس که پیغمبر خود را با شدایت  
 دین حق فرستاد تا اینکه دین حق را بر همه دنیا غالب گردانند  
 چند مشرکان از ناخوش دارند ابو جعفر فرمود که چون قائم  
 خروج مینماید مشرکی و کافر مینماید مگر اینکه خروج  
 را ناخوش میدزد پس اغلب بر تمام دینها که نتیجه رست  
 و اراد حضرت اقدس الهی است در عهد حضرت رسول  
 و یازده امامان علیهم السلام بعمل نیامد باید مصلحت  
 پیدا کند در ظهور حضرت قائم که در کوه زمین غیبت  
 کلمه طیب لا اله الا الله محمد رسول الله و علی و اولاده  
 اولیا الله کلمه دیکو جمع نشود یعنی وقت کافریه  
 نفر مشرک پیدا نمی شود **مولق الفانی**  
 ظلمت کفر و کون و د از خاک بخند و نور بر همه اقلاد



ایر بلیست و یکم قوله نعم فی صورۃ ابراهیم  
 در اینجهل و پنجم سیکنته فی ماکن الدین طلمو انفسهم  
 یعنی ساکنین پیشه بد و کوه که نمایانند بآنکه بتفتها  
 خودشان ستم کرده اند عیاشی در بقعیر خود از حضرت  
 صاق و روایت کرده است از چند نفر از کسانی که در خدمت  
 آن حضرت بودند در حالتی که مرد میگفت که خانه صالح و عیسی  
 باقی هستند هنوز خراب نشده است خانه عابنی عباس را را  
 شمره گفت که خدا اینهارا نماند نماید در حالتیکه خراب یا اینکه  
 بدست ما خراب گرداند پس در حال حضرت فرمود که چنین مگو  
 بلکه بگو که خدا اینهارا مکن قائم و اصحا او گرداند ایانه  
 سیند اید قول خدای عزوجل و سکنتم الی اخرها  
**ایر بلیست** و یکم قوله تعالی فی حق الامران  
 در اینجه صد هفتاد و نهم ما کان الله لیدنر المؤمنین  
 علی ما انتم علیهم حتی یمیز العبد من الطیب یعنی خدا  
 تعالی مؤمنان را از کفار با حالیتی که شما با او هستید

تا اینکه

تا اینکه خبیث و بد کار را از نیکو کاران جدا نماید زبان  
 بن تغلب روایت شده که او گفت از حضرت حشاق شنیدم  
 میفرمود که درین باطنی که بد تا قوی که من از آن است  
 که ای اهل حق بیکجا جمع بشوید پس همه ایشان در یک سر زمین جمع  
 شوند بعد از آن در خود دیگرند می کنند که ای باطل بیکجا جمع  
 پس ایشان در یک سر زمین جمع میشوند عرض کردم که آیا یکی ازین  
 دو فرقه قادر بر قیامت است که بمیافرق دیگر و کند فرقه دیگر  
 سو کند یا میکنند و این است معنی قول خدا بتقا ما کان الله  
 تداوت فرمودند پس این بهتر در زمان هیچ کدام از آنها نمی  
 بعمل نیامد است یعنی نشد است که از امام زمان خود بگریزند  
 و بقوم دیگر از اهل باطل و اهل کفر و ضلال ملحق نشوند راه  
 شفاق و نفاق را پیش نگیرند ظهور مصداق این مقصود در عهد  
 حضرت قائم خواهد شد **ایر بلیست** و یکم قوله تعالی  
 فی سوره الانعام در اینجه هشتاد و نه فان یکفر بها هؤلاء  
 بها قوما لیسوا بها بکافرین یعنی کسانی که جماعت کفران



نمایند بان احوال نمایند و از این قوم بان موکل میکنند  
 که بان کفران کنند و بدستند و از انکار می کنند از سیفمان  
 بن هرون بجای وایت شد که او گفت حضرت صادق علیه السلام  
 که بسیار این امر که داشتند است که همه خدایان و پادشاهان  
 وند تعالی هر اینها را و از اینها و جمع میکنند ایشانند تا  
 خدا بخواهد ایشان را و فرموده فان یکفر به الله و رسله  
 تلافی فرمود و نیز ایشانند تا که خداوند ایشان را  
 فرمود **ایمربیت چها حرفی در حق** فی حق  
 الملائكة و اية نوحا و جهام فوق بؤی الله یقوم یحییهم  
 و یحییونما ینزل علی المؤمنین افریة علی الکافرین  
 یعنی بخود خدای خلق میکند و بوی را که پیغمبر ایشان را دوست  
 میدارد و ایشان هم او را دوست میدارند ایشان را نزد  
 مؤمنان است و فرود نمی نمایند و نسبت به کافران آنها  
 عزت شوکت میکنند **بیک** اگر چه ایه مبارکه در خصوص  
 حضرت امیر المؤمنین و اصحاب او نازل شده است و

در حقیر صافی از قوی روایت کرده که در خصوص حضرت قائم  
 نازل گشته قطع نظر از خبری که در مقتضای معنی ایه  
 مرئیه تا دامن قیامت بحال کسان که بان صفت موصوفند  
 مضمون ایه شامل شد **ایمربیت چها حرفی**  
 تعالی فی حق الحج در ایه چهل و یک الذین ان مکناهم  
 فی الارض اقاموا الصلوة و اتوا الزکوة و امرؤا بال  
 لغرف و فقهوا عن المنکر و لله عاقبة الامور یعنی  
 ایشان انانند که اگر در حق بین بایشان تمکین بدهیم  
 ایه نماز را بر پا میدارند و زکوة و امید دهند بمعرف امری  
 کنند و فی انکر نمینمایند عاقبت کارها برای خداست  
 زید بن علی روایت میکند که چون قائم ال محمد قیام نماید  
 میفرماید که ای گروه خدایان ما یم انان که خدا بخواهد کتاب  
 خود ایشان را بجا و عدا داده است الذین ان مکناهم الحج  
**ایمربیت ششم** و در حق فی حق الفرقان در  
 ایه نصرت یم الذین یمشون علی الارض هونا تا قول



تَقُولُ خَلَايَتُكَ أَحْسَنُ مُتَقَرَّرًا وَمُقَامًا سِزْدَه اِيَه سَت  
 يَعْنِي نَاكَه دَر وَ زَمِين بَا فَرْوَتَنِي زَاه مِير وَ نَد نَه بَا كَر  
 مَنِيت رَوَايَت شَدَه كَه اَلْحَضَرَت فَرْوَدَه كَه مُرَاد اَزِيْن حَجَاة  
 وَ صِيَانَت دَر وِي مِيْن خَالَت وَ فَرْوَتَنِي زَاه مِير وَ نَد چُون قَائِم  
 قِيَام نَمَايَد اِي شَاهَر نَا صَبِي اَلْمُجْدَمَت اَلْحَضَرَت مِيَا وَ رَنَد پَرَا كَرَا  
 اِسْلَام يَعْنِي بُولَايَت اَتَمَّ عَلِيمُ السَّلَام اَقْرَار مَوْجِبَه اَكْرَدَنش رَاي  
 زَنَد مَكْر اِيَكَه جَزِيَه دَا دَن اَقْبُول غَايَك اَمِنْ بَد هَد چِيَا نَكَه اَهْل  
 زَمَن مِيَد هِنْد پِيَا اِيْن دَر مَوْجِبَت كَه اَلْحَضَرَت جَزِيَه رَا قَبُول  
 نَمَايَد چُون دَخِيَر بَكْر وَ اَرَد شَدَه كَه اَلْحَضَرَت جَزِيَه رَا قَبُول نَحْوَاهِل  
 كَرَد وَ بِلَا حَظَّ اِيَكَه بَغِيْر كَلِمَةُ طَيْبَةٍ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللهِ  
 كَلِمَةُ دِيَكِر كَفَتَه نَحْوَاهِل شَدَه پَرَا اِيْن صَوْرَت مَوْضُوع جَزِيَه جُود  
 نَحْوَاهِل شَدَه تَا جَزِيَه مَعْمُول بَا شَدَه **اِيْر بَلِيْسْت هَفْتَه**  
 قَوْلُهُمْ فِي سُورَةِ الْأَعْرَافِ دَر رَايَه جِهَادٍ نَبِيًّا أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ  
 يُعْتَبُونَ قَالَ أَنْتَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَعْدِ الْعَلَمُ  
 يَعْنِي كَفَت اِبْلِيْسُ مَهْلَت بَدَه بِمَنْ تَار وَ زِيَكَه مَبْعُوث

مَنْزُومٌ

مَبْعُوثُونَ فَرْوَدَه تَوَا ز مَهْلَت دَا يَه شَدَه كَاهِي تَار وَ زَمَن  
 مَعْلُوم اَحْمَد بِن مُحَمَّد اَبَا دِي رَوَايَت مَعْمُول وَ اَوْرَف حَدِيْث  
 بَا سَحْق بِن عَمَار كَرَدَه اَو كَفَتَه كَه اَز مَعْصُوْم پَر سِيَك كَه مَهْلَت  
 خَلَا بَابِلِيْس تَا بَوَقْت مَعْلُوم چَه مَعْنِي مَادَد چِنَا نَجَه دَر كِتَاب  
 اَنْتَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ اِلَى الْاٰخِرَةِ فَرْوَدَه عِبَا سَت اَز قِيَام قَائِم وَ قِي  
 كَه خَلَايَتُكَ اِلَى اَلْحَضَرَت رَا مَبْعُوث كَرَايَنَد دَر مَجْد كَوْفَتَنِي  
 بَا شَدَه اَن اَشْنَا اِبْلِيْس اَعْم دَر وِي زَانُو هَادِر اِيَكَه مِيَكُوِيْد  
 اِيْوَاي بَرَا اَز شَر اِيْن وَ رَنَد پَرَا اَلْحَضَرَت اَز پِيَا اِيْ اَو مِيَكَم وَ كَرَدَنش  
 رَا مَزِيَنَد اَن رَوُو قَت مَعْلُوم وَ مَتَمَّ اَعْمَر وَا جِل اِبْلِيْس اَسْت  
**اِيْر بَلِيْسْت هَشْتَمِ** قَوْلُهُمْ فِي سُورَةِ اِيْن دَر رَايَه  
 سَبِي سَيِّم وَ اِيَه لَهْمُ الْأَرْضِ الْمِيْتَةِ اَحْيَيْنَاهَا وَ  
 اَخْرَجْنَاهَا مِنْهَا حَيًّا فَمَنْهُ يَا كَلْبُونَ يَعْنِي اِيْتِي بَرِي  
 اِيْشَان زَمِيْن مُرَدَه اِيْشَان اَز اَزَنَد كَرَايَنَد اِيْم مَبْعُوث  
 اَز اَن پَرَا اَوْرَدَم پَرَا اَن مَبْعُوث مِيَنُو رَنَد كَا بِلِي اَز عَلِي  
 بِن الْحَسَنِ رَوَايَت كَرَدَه وَ اَن اَلْحَضَرَت فَرْوَدَه كَه قَائِم



علیه السلام از اصل هدینه جبریل بقتل می رساند تا اینکه  
 با جعفر میرسد و آن نام ابی است در میان تکیه خرمه در  
 آنجا که منگی شد بد بایشان عارض میشود بنوعی از شدت  
 آن فریاد میکنند و آن اشامه برآید ایشان و بیدار می شود  
 از آن میخیزد و نوشته بر مبدل ریزد و این است معنی قول خدا  
 و ند تعالی و آیت حضرت ایه و ملاوت فرمود بعد از آن  
 براه می افتد تا اینکه بقادسیه میرسند و حالتی که مرد بگونه  
 جمع شد و بقیه بیعت کرده باشند ' ای بر علیست  
 و انهم قدامی فی سبی الاعراب و رایه صد هشتاد و هفت  
 یسئلونک عن الساعة ایا ان حرسها فلان علیها عندی فی  
 لا یجل بها الوقت الا هو ثقلت فی السموات الارض لا  
 تأتیکم الا بغتة الا خرا یه یعنی از وقت قیام ساعة از قوی  
 بر می خیزد بگو که علم آن نیست مگر در نزد پروردگار خودم آنرا  
 ظالم نمیکردند در وقتش مگر او و آن هفتاد و سه نفر از ایشان  
 کراست) از فضل بن عمر روایت شده او گفته که از من

خود ضایق می رسیدم که آیا برای ظهور مهترم وقت  
 معینی هست که خلافت بدانند فرمود خاشا از اینکه خدا  
 تعالی برای آن وقت معینی تعیین فرماید که شیعه بدانند ضرب  
 کردیم احی قایم این از چه راه است فرمود زیرا وقت ظهورش  
 عیبات است از ساعتی که خدا بخواهد و کتاب خود فرمود بشارت  
 عن الساعة ان حضرت ایه را خواهند بنا بر ذلالت ختم کردند  
 فقره آیات ساعت که در قرآن مجید است چنانچه جمیع کتب  
 بخافشته بطور قائم تا و بدل تغییر شده است و از جمیع  
 ان انا حلی هم قولم فی سحر اخاب در راه شد و در  
 یسئل الناس عن الساعة قل انما علمها عند الله و ما  
 یدر بک لعل الساعة تكون قربا که ایه عدلی ازین  
 کتاب است پس بر دایت مفضل حضرت صادق فرمود در  
 عبارت است همین وقت از ان ساعتی که خدا بخواهد فرموده  
 یسئلونک عن الساعة ایا ان حرسها فلان علیها عندی فی  
 لا یجل بها الوقت الا هو ثقلت فی السموات الارض لا  
 تأتیکم الا بغتة الا خرا یه یعنی علم ساعت در نزد خدا

از ان ساعتی که خدا بخواهد







پس خداوند خداوند تعالی با و نزد بزرگ بفرمود  
 حضرت میثاق این ایه را حضرت قائم و وقتی ملاوت  
 میفرماید که تمنا به بیت الله میاید تنها داخل کعبه بشو و  
 شب و میاید در حالتی که تنها است وقتی که شب تاریک شد  
 و خلایق خواب فشدر بریل و میکائیل و صفوان که بخدا  
 انحضرت زانکه بشوند جبرئیل بخدا عرض میکند که ای سید  
 من بخت مقبول و امرت بجاییت در احوال انحضرت میاکش  
 بر و میاکش میکشد میفرماید الحمد لله الذی صدقنا وعده و  
 ورنش الارض نلقوه من الجنة حيث نشاء فنعلم اجر العالین  
 دل ایه و قال الحمد لله در روز مرگ ایه با خرسون ماند  
 است یعنی خداوند خداوند که وعده خود صادق گردانید و ما  
 برین وارث کرد و در هر جای بهشت که بخواهیم منزل  
 می که برین چه خوب است جزای عمل کنندگان پس در میان  
 رکن و مقام میایستد با و از بلند صدا میکند میگوید  
 که ای جماعت نفعاء و خاصنا من وای انا که خداوند

مقالی

تعالی ایشان را بفرمود در وی زمین برای  
 نصرت و یاری آن ذخیره گذاشته باشد و آنکه در آن  
 من ایستد پس صدا حضرت در شرق و غرب و زمین و آسمان  
 و خلایق که بعضی عمر استقبالات و بعضی عمر استقبالات  
 باشد میرسد در یک صد روز صد هزاره میفرماید و  
 را قبول نموده و دست میگذارد در میان ایشان و میگوید  
 مگر این نگاه کرد و چشم تا اینکه همه ایشان در میان و مقام  
 در پیش رو او حاضر میشوند و احوال خدا امر میفرماید خوری  
 ستون و اهرار زمین تا اسماء اکبره میشود و بیست و هفت  
 در وی زمین و وشتان اخذ میکند و آن زمان همه مؤمنان  
 که دانند در خانه خودشان بلند میگردند و اما ایشان را  
 شاد میشود و ایشان عمداً نهند که قائم ما اعلی بیتی است و  
 نموده بعد از آن جمع میکنند در حالتی که پیش از آن حضرت  
 ایستاده باشند ایشان میسند نیزه نهند بر ایشان  
 رسول خدا پس حضرت پشت بگیرد داده دست



مدانز میکند دستش مانند افتاب روشن و نورانی  
 مینماید و میفرماید که این دست خداست از جانب  
 خداست با امر خداست بعد از این آیه شریفه را می  
 خوانند **الَّذِينَ يَبَايِعُونَكَ أَخِي أَيُّهَا سَيِّدِي**  
**ششم** قوله **فِي سُورَةِ الْقَصَصِ** **يَذْكُرُ**  
**عَلَى الَّذِينَ يَسْتَغْفِرُونَ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَهُمْ أُمَّةً**  
**وَجَعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَتَمَكَّنَ لَهُمُ فِي الْأَرْضِ وَنَزَلَى**  
**فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجَعَلَهُمَا مِثْلَ مَا كَانَ لِأَخِيكَ**  
 یعنی میفرماید که منت گذاریم بر کسانی که ضعیف شدند  
 و ایشان را امامان دادیم و زمین قرار بدیم و بر  
 ایشان در زمین تمکین نمودیم باینکه از دست ایشان  
 بفرغون هاما و لشکرها ایشان را از آن میترسیدند  
 میکنند و حدیث است که فضل عرض کرد که فرعون و هاما  
 کیانند فرمود ابو بکر و عمر **لَا** از مقام آیه شریفه صریح  
 است که حضرت امیر معاویه را رجعت بدینا خواهند  
 نمود و مصداق اراده خداوند که منت گذارشان

و

است بر آنانی که گفتند او را و میگویند و منافقین و منافقین  
 انصار و ضعیف شدند و منت گذارشان بایشان بپست  
 کردند و بهر خود را امکان داشتند در وایه باور بپست  
 ایشان برآمد و خود ایشان را باز هر و شمشیر بام عزت  
 اشرار مثل خودشان بقتل رسانیدند بظهور این چهار  
 حضرات معصوم که مشمول مضمون این آیه گشته هستند  
 بدینا بر کردند انتقام خودشان از مغابین و قاتلین و  
 اعانت کنندگان ایشان بکشند چنانچه کتب معتبره و صحاح  
 اخبار و حجت محمد و آل محمد بر است از آن جمله مقتل حضرت  
 صلاح و روایت کرده در ذیل حدیث سینا که بعد از آنکه  
 حضرت قائم بر بالای سینا لشکر جمیع دمشق میفرستد  
 او را میگیرند و بالای صخره میبرند حضرت حسین  
 باد و آند ده هزار و هفتاد و نفر اصحاب خود که در بالای  
 معلی در خدمتش بودند بدینا رجوع میکند بقیه باید  
 نمود از رجعت نورانی و شکاری آن حضرت بعد از  
 آن صدیق اکبر امیر المؤمنین علی ابن ابیطالب عروج



میکند و خیمه در نجف الا شریف برای آن زده میشود  
 و چهارستون بر آن برپا داشته میشود و بقبیل سونقا  
 مراجعه نمایند بیکدیگر و بر عیار الا توار بجایی کویا چرخ  
 آن خیمه بیستم که مانند کتاب سماوی زمین متورک دارند  
 اند و از وقت بمصلحت این پایه متحرک میشود و بلی السرا و تهل  
 کل مریضی غما را رخصت تا اخر ایه دان و نه عقاید بنده و  
 چیزها اینکه دلها پنهان است و محال کرد میشود تا اینکه خود  
 بکافرا شود و از بعد دیگر تمیز نمایند جدا شوند و در شایسته  
 از شدت حران روزا بچه کافر و غافل میشوند و کمال این  
 سید اکبر رسول خدا را با نسا و مهنا خود و اما کبابا و اورد  
 و او را صدق کرده و در جهاد در خدمت و شهید شده اند  
 میکند و احبار کرده میشود و اما آنکه آن حضرت را تکفیر کرده  
 اند و اما آنکه در حق او گفته اند که او سفاک و کافر و یار و  
 نفس سخن گویند است و اما آنکه فرما و فرمود و فکر میکنند  
 و اما آنکه در حق او بدشمنی شان کرده اند و اما آنکه با آن حضرت  
 محاربه و مقاتله نمودند پس همه ایشان را انصاف

میکنند برای اینکه از ایشان با حق و دست حق خاص و  
 اشغال گرفته شود و عوض کارها بیکه از وقت بعثت تا  
 زمان ظهور مهسگم در عصر هر یکی از ائمه علیهم السلام  
 کرده اند جز او پاداش داده میشوند در آنوقت این پایه  
 نزدیک آن نمون الخ بعضی از صومعی بودند در وقت صبح چنانکه  
 آخرت را در جزا میماند همچنین دنیا را خانه مشیت میکند  
 چنین نیست که تمامی برای عال با خیرت بماند و قرآن مجید  
 حال باطن است و قلعه و کذب بقتل العذاب الابدی و  
 العذاب الابرار با فضل عرض کرد ای سید من ایار سو خدا  
 و امیر المؤمنین با قائم میباشند و ایشان ناچارند  
 برگردن زمین قد بگذارند و ای بخدا سو کند یاد میکنم هر سیه  
 همه دنیا را میگردند حق به پشت کوهی که بدینا احاطه کرد  
 شده میرودند ظاهر این است که مراد از آن کوه قاف باشد  
 اوی بخدا سو کند یا میکنم بر اینیه ظلمات و قعر و یاها میگرد  
 هیچ مکانی نمی فاند خدا را مگر با بجا قد میکند و درین  
 خدا را در انجا یا میگذارند بعد از آن گویا حاجت ائمه

در این کتاب  
 در این کتاب  
 در این کتاب



را نگاه دیکم خود من از ای بدیم که در پیش رسول خدا آمد ایستاد  
 بان حضرت شکایت میکردیم که بعد از قیامت ما را نکند پس  
 نمودند و حکم ما را بر روی ما برگردانند و بر ما دستار دادند  
 و لعنت کردند و ما را بقتل رسانیدند خلفاء جور بر ما نظم نمودند  
 خود ما را از نکه و مدینه بیاختند خود شایر شدند با ستم حبس  
 کردند بقتل رسانیدند و احوال سوخته کردیم میکنند  
 میفرمایند که ای پسران من هیچ ازیت بشمار رسید است مگر  
 اینکه مانند آن پیش شما بجد شمار سیده بعد از آن حضرت  
 فاطمه از ابو بکر و عمر شکایت میکند از ظلمها بکند  
 کتب مبارک تفصیل مذکور است و هكذا حضرت ائمه سلام الله  
 علیه من سببه شکایتهای خود را از دشمنان عهد خود شاخه  
 حضرت رسوله عرض میکنند طالب الشرح تفصیل علی سیر  
 بحال الانوار الجلی و نور الانوار و مشکوة الانوار شیخ علی  
 اصغر هجره و یساکت غیبت رجوع فرمایند ای  
 سی هشتم قوله نعم فی سورة النجم در آنه میفرمایم  
 وَلَنُذِيقَنَّهُمُ الْعَذَابَ الْأَلَدَّ نَیْ دُونَ الْعَذَابِ

کبر

الا کبر یعنی هر این پیش از عذاب بزرگ عذاب کوچک  
 را بایشان می چشایم در تفسیر مذکور است که مراد  
 از عذاب الدنی عذاب جنت است باشد و معنی قول  
 پروردگار در آخر این آیه لعنهم بر جعون این است که  
 ایشان در همان رحمت باید بدینا برگردند تا اینکه مغفرت  
 شوند و ذیل حدیث گذشته است که مفضل عرض کرد که  
 ای سید من از شیعیان شما پاره هستند که بر جنت شما  
 قائل نیستند فرمویا نشنید اند قول خدا و قول ما  
 ائمه که می گوئیم وَلَنُذِيقَنَّهُمُ الْعَذَابَ الْأَلَدَّ نَیْ دُونَ الْعَذَابِ  
 که عذاب نزدیک عذاب جنت و عذاب بزرگ عذاب  
 قیامت است اینچنان نزدی که زمین و آسمان بغیر این  
 و آسمان تبدیل میشوند در محضر خدای یگانه و قضا  
 حاضر میباشد **ای سی هشتم** قوله تعالی  
 فی سورة النمل دایه هتاد و یکم وَ یَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ کُلِّ اَیَّهٍ  
 فَوْجًا مِمَّنْ لَّیْکَذِبُ بآیاتنا فهم یوزعون حتی اذا



جَاءُوا قَالِ اَكْذَبْتُمْ بَايَاتِي وَلَمْ تُحِطُوا بِمَا عَمِلْنَا اَمَّا  
 ذَاكُمُ يَعْلَمُونَ حاصل مضمون اینه شریفه این است که  
 روزی میشود که از هراقت طایفه زند میکنند از آنانکه  
 آیات نازل تکذیب کردند پس ایهایشان مضطرب بپس  
 میباشد قتی که زند میشوند میان خدا و تعالی از راه سر  
 زدن ایشان میفرماید که آیا تکذیب کردید حال آنکه علم شما  
 بآن احاطه نکرده بود و حقیقت بخار نشاخته بودید این چه  
 کار بود که میکردید حضرت صادق علیه السلام فرمود که مراد از آیات این  
 ایه امیر المؤمنین علیه السلام است حسین بن خنار از ابی بصیر روایت  
 کرده که باقر علیه السلام بمن فرمود که آیا اهل عراق رحبت را انکاری  
 کنند عرض کردم اری حضرت فرمود که آیا در قرآن مجید این  
 ایه را بخوانند و یَوْمَ نَخْتُمُ النِّعَیْ اَیْهَ رَاخْوَانِدُنَا اَیْهَ  
 سِیِّئِ السَّعْدِیْنَ قَوْلَهُ تَعَالَى مَوْقِعُ الْعَمَلِ دُرَّ اَیْهَ صِدْقِ  
 نَجَاوَهُمْ وَلَئِنْ قُلْتُمْ فِی سَبِيلِ اللَّهِ اَوْ مَتَّعْنَاهُمْ  
 مِنْ اَنْدَهِ وَرَحْمَتِ خَيْرٍ مِمَّا يَجْعَلُونَ وَلَئِنْ قُلْتُمْ

اَوْ قُلْتُمْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللَّهُ نَخْشَرُكَ نَ یعنی اگر هراینه کشته  
 شوید در راه خدا یا بمیرید هراینه امر بر حق و رحمت  
 بهتر است از آنچه جمع میکنند هراینه هرگاه بمیرید یا  
 کشته شوید هراینه در بخدا عشر خواهید شد از جبارین  
 میرید و از حضرت باقر علیه السلام روایت کرد که از آن حضرت پرسیدم  
 معنی قول خدا یَوْمَ نَخْشَرُكَ نَ وَاَلَمْ نَقُلْ لَمْ تَمُوتُوا بَايَاتِیْ  
 که مراد از سبیل الله چیست عرض کردم که بخدا سو کنید یا میگویم  
 هراینه من نمیدانم مگر در قتی که از تو بشنوم فرمود که مراد از  
 سبیل الله علی و ذریه اوست پس هر که دولایت آن حضرت کشته  
 شود در معنی این است که در راه خدا کشته شد و احدی نیست  
 که باین ایه ایمان آورده و آنرا تصدیق نمود باشد مگر  
 اینکه برای او کشته شد و مرد نیست پس هر که کشته گردد  
 روز رحبت رجوع میکند تا اینکه بمیرد هر که بمیرد در آنروز  
 زند میشود تا اینکه کشته شود و مردی هست پس هر که  
 کشته گردد مجلسی میفرماید گمان چنین است که آخر  
 حدیث برای آنرا ایه نفسیه نباشد و آنرا ایه این است



وَلَئِنْ مَتَّمْ أَوْ قَتَلْتُمْ كَلَّيْ اللَّهُ بِخُشْرَتِكُمْ  
 بمرید یا کشته شوید هر آینه بسوی خدا محسوس میشود  
 بتقریب اینکه مراد از خسر رجعت باشد **ایمان**  
**خدا** قوله تعالى في سوال عمران در آیه هشاد واد  
 اخذ الله ميثاق النبيين لما اتيكم من كتاب حكمة ثم  
 جئكم رسول مصدق لما معكم لتؤمنن به ولت  
 تنصرنه یعنی در وقتی که خدا بپیمبران از انبیاء عهد  
 پیمان گرفت در وقتی که شما کتاب شریعت را تصدیق  
 کنید است با دایمان میا و برید با و یاری کنید حاصل  
 بن حلیه حضرت باقر علیه روایت نموده که حضرت امیر المؤمنین  
 فرمود بدستی که خدا بپیمبران احد است یعنی غیر هر کتب و حد  
 یعنی بی نظیر و بی شریک و حدانیت خود متفرد و تنها  
 بعد از آن کلمه فرمود آن کلمه کردید نور شد بعد از آن  
 آن نور محمد را و مراد او که در آفرید بعد از آن کلمه  
 فرمود آن کلمه کردید روحی شد این روح را برانید  
 در آن نور قرار داد بعد از آن روح را با آن نور در

برده

بد نهای ما گذاشت پس بپایان ما روح خدا و  
 کلمه او بهم و با ما حاجت خود را بر مخلوقات خود تمام نمود  
 پس بعد از آنکه آفرید شدیم در میان آسمان و زمین  
 یا در میان ابر و سبز بودیم در وقتی که نه آفتاب بود و نه ماه  
 و نه شب بود و نه روز و نه چیزی بود که نگاه کند را بخوابند  
 بندگی تقدیر و تسبیح میکردیم و این پیش از آن بود که خدا  
 تعالی مخلوقات را خلق کند خداوند کرد کار را از انبیاء  
 و ميثاق گرفت که بما ایمان آورند و یار کنند این است معنی  
 قول خدا تعا و اذا اخذ الله الى اخرایه بعد از آن امیر  
 علیه السلام فرمود که یعنی محمد ایمان میا و برید و یاری  
 یاری میکنید بعد از این همه پیغمبران با و یار خواهند کرد  
 خدا بپیمبران از من محمد عهد پیمان گرفت که بیکدیگر  
 نصرت بکنیم من بعد خویش فاما محمد و یار یاری کردند  
 پیش از این چه نمودند دشمنانش را بقتل رسانید و عهد  
 پیمان خویش و فاکردم خدا بپیمبران ایشان انذار الفناء و  
 البقاء برده و بعد از این مرا نصرت یار خواهند کرد

۶۳



ما بین مشرق و مغرب برای من خواهد بود و هر آینه  
 خدا ی تعالی چه پیغمبران را از آدم تا محمد زنده میکرد و اندک  
 پیغمبران مرسل در پیش من بشمار بر سر هر کس زنده گشت  
 منافقان کافران از انبیا و جن نیزند پس این امر عجیب است  
 و چگونه تعجب نمایم از مردگان که خدا ی تعالی ایشان را زنده می  
 گرداند طایفه طایفه لبیک لبیک یاد اعی الله کویان داخل  
 کوچه ها گرفته میشوند در حالتی که شمشیر هلا از غلاف کشیده  
 بدوشهای خود میگیرند برای اینکه با آنها بسرا کافران حیات  
 و تابعت ایشان از اولی و آخرین برینند تا اینکه خداوند تعالی بجا  
 آورد وعده را که درباره ایشان نموده و چنانکه فرمود **ایمان**  
**چهار کلمه** قلتم فی سورت التورم را به پیچاه و پنج  
 وعد الله الذین امنوا منکم و عملوا الصالحات  
 لیخلفنهم کما استخلف الذین من قبلهم و  
 لیمكن لهم دینهم الذی رزقوا و لیبدلنهم  
 من بعد خوفهم امنا یعبدونی لا یشرکون لی  
 شفا یعنی خدا ی تعالی وعده و عهد نموده تا آنکه ایمان

آورده و عمل صالح کرده اند که ایشانرا خلفا و روزمین گردانند  
 چنانکه آنان را که پیشتر از ایشان بودند خلفا و روزمین نموده  
 و بایشان در خصوص دینی که برای ایشان برگزیده تمکین بد شد  
 خوف ایشان را با منیت مبدل نماید تا باطنها و خاطر حقیقی بنهاد  
 نمایند هیچ چیز بر این شریک قرار ندهند بعد از انام المؤمنین  
 فرمود که معنی اخرا به این است که تا اینکه باطنها و خاطر حقیقی بنهاد  
 کنند از احدی از بنده کفر نترسند و تقیه نمایند بعد از انان این  
 فقرات بلاغت این را اذ فرمودند ان لی لکرة بعد الکرة  
 والرجعة بعد الرجعة وانا صاحب الرجعات والکرات صاحب  
 الصلوات والقیامات والدولات العجبات وانا قرن من جلد  
 وانا اخر رسول الله وانا امین الله وخازنه وعبه سره و  
 حجابیه ووجهه وصراته ومرتبه وانا الجاشی الی الله وانا  
 کلمه الله التي تجتمع بها المفرق وتفرق بها المجمع وانا اسماء  
 الله الحسنى فامثال العلایا وایات الکبری وانا صاحب  
 الجنة والنار اسکن اهل الجنة الجنة اهل النار النار  
 النار و الی تزوج اهل الجنة والی عذاب اهل النار

این کلمات را  
 از انبیا و  
 اولیا و  
 ائمه و  
 صلوات  
 علیهم  
 و  
 علی  
 اهل  
 البیت  
 علیهم  
 السلام  
 و  
 علی  
 اهل  
 الجنة  
 و  
 اهل  
 النار  
 و  
 علی  
 اهل  
 الکبری  
 و  
 اهل  
 الصغری  
 و  
 علی  
 اهل  
 الدار  
 و  
 اهل  
 الدنیا  
 و  
 اهل  
 الآخرة  
 و  
 علی  
 اهل  
 السموات  
 و  
 اهل  
 الارض  
 و  
 علی  
 اهل  
 الجبال  
 و  
 اهل  
 السهول  
 و  
 علی  
 اهل  
 النور  
 و  
 اهل  
 الظلمة  
 و  
 علی  
 اهل  
 الجنة  
 و  
 اهل  
 النار  
 و  
 علی  
 اهل  
 الکبری  
 و  
 اهل  
 الصغری  
 و  
 علی  
 اهل  
 الدار  
 و  
 اهل  
 الدنیا  
 و  
 اهل  
 الآخرة  
 و  
 علی  
 اهل  
 السموات  
 و  
 اهل  
 الارض  
 و  
 علی  
 اهل  
 الجبال  
 و  
 اهل  
 السهول  
 و  
 علی  
 اهل  
 النور  
 و  
 اهل  
 الظلمة







حکمت را در این زندگ کرد ایندن نمی فهمند از آن جهت بنان  
 معتقد می شوند پس خدا بپیدا کرد که از آنکه میگرداند  
 تا اینکه حق را در خصوص آن چیزی که منکران کافران در  
 آن اختلاف میکنند برای ایشان ظاهر گرداند تا اینکه بداند  
 که آنکارا این معاد و روح کوایند پس گفته امیر المؤمنین که  
 منم از همه خلایق بمشغول این ایام نزد یکتر از این راه است تا اول  
 این ایام در رجعت است و صابرا و جباری چند هم امیر المؤمنین است  
 چنانکه صالح بن میثم روایت میکند که از باقر معنی قول خدا  
 عز وجل وَلَهُ اسْلَامٌ مِّنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طُغَاوَكِرْهًا  
 پرسید که آنحضرت در جواب فرمود که ظهور و تحقق این ایام در وقت  
 است که علی میفرماید که منم اولی از همه خلایق بمشغول این ایام  
 أَفْتَمُوا بِاللَّهِ جَهْدًا يَمَانِيَهُمُ الْخِ ابْنِ مَسْكَانَ اِنْ خَضَرْتُمْ قَدِ اع  
 روایت کرده که آنحضرت فرمود که خداوند تعالی از زمان آدم تا  
 آخر زمان پیغمبر میفرمود که مگر اینکه بدینا بر میگردد و با هر  
 المؤمنین یا نخواهد کرد **ابن حنبل** است  
 قوله نعم في سورة النساء ذرية يكسد بنجاة هشت و ان

مراجعه کتاب را در این میان بر سر سوره و بوم القيمة  
 میگویند علیهم السلام یعنی از اهل کتاب که نیست مگر اینکه  
 ایشان او را در با و پیش از روز قیامت و در روز قیامت بهر آنکه  
 شایسته باشد علی بن ابی طالب و تقی بن او و هر که هیچ کتاب  
 کتاب نیست مگر اینکه به پیغمبر خدا پیش از و تا آنکه ایمان او  
 فی جنت است و هر که خوشبخت است کرده که او گفته که حاج من  
 و رفیع تعجب من گفت که این در کتاب خود هست که میگوید  
 ان مرا بجز کرده که هم ای میراث کدام است گفت تو خدا  
 تعالی و این من اهل کتاب تعجب از آن حاج گفت بخدا  
 سوگند یا میکند که من هرگز بارها در دهام تا گردیده و  
 نصای را ندیده اند با چشمم با و نگاه کرده ام و از ایشان  
 ندیده ام که بهر این بیعت اند یعنی کلمه طیب بگویند و  
 اسلام آوردند تا اینکه وفات کرده پس چگونه صفا میشود  
 اینکه همه اهل کتاب پیش از وفات با آنحضرت ایمان خواهند  
 آورد و جوابش گفتم که خدا کارها با صلاح آورد ای طایف  
 طریق نیست که تو تا و بگویند که کتاب پس چگونه است گفتم

در این کتاب است که در این کتاب است که در این کتاب است



که حضرت عیسیٰ پیش از قیامت بدیناورد و دست  
 واحد از اهل مذهب یهودی و غیرت باطنی می باشد مگر  
 اینکه پیش از مرگ بلوایان میناورد و خود آنحضرت در پشت  
 سر همت نماز میکرد و در آنحال حجاج گفت خیر ما در ترا  
 این تاویل را از کجاستی و از کجا آوردی گفت محمد بن علی  
 بن الحسین بمن خبر داد گفت که بخدا سوگند یاد میکنم ظاهر  
 این حدیث را از چشمه صفا اخذ کرده **ایر چهل**  
**چهارم** قوله قم فی سورة یونس مذایه شیخ نهیم بل  
 کذبوا یمالهم یحیطوا بعلمه ولما یا یاتهم تاویل را کذالك  
 کذب الذین من قبلهم یعنی بلکه تکذیب خودند چیزی را  
 که بعلم ان احاطه نکرده اند هنوز تاویل ان بایشان رسید  
 بنی صلیقان هنوز برای ایشان ظاهر متحقق نگشته است  
 بدین نهج تکذیب نمودند یعنی گفتند که ان هرگز واقع نخوا  
 شد بلکه پیش از این اتفاق افتاد علی بن ابی طالب و تقیر خود میگوید که  
 بنایه و حضور رحمت نازل شد **ایر چهل**  
**پنجم** قوله قم ایضاً فی سورة یونس میگوید که گمائی

و نهی

و منهم من یؤمن و منهم من لا یؤمن به و ربنا اعلم  
 بالمفسدین یعنی زانان پاد و قوع رجعت را قصد یوت  
 میکنند پاد دیگر انکار کردند پاد و پروردگار است دانای تراست  
 بفدا کنندگان یعنی میدانند که مفسدان کیانند **ایر**  
**چهل ششم** قوله قم فی سورة الانبیاء را به خود بخیر  
 و حرام علی قریبها هلاکتها انهم لا یجمعون یعنی اهل  
 قریه که مایشان را در دنیا با عذاب هلاک کرده ایم حرام  
 است اینکه در رجعت بدینا رجوع نمایند تا به قیامت و ان  
 سنات و از ابی بصیر محمد بن مسلم ایشان از حضرت صفای باقر  
 روایت کرده اند که انکه برزگوار فرمودند که هر قریه که خداست  
 از با عذاب هلاک کرده در زمان رجعت رجوع خواهند کرد  
**بیان** این را به دلیل واضح و برهانی است بر وقوع رجعت  
 زیرا که احد از اهل اسلام انکار نمی کنند که همه خلایق در  
 قیامت بمجاور میگردند خواه انانکه در دنیا با عذاب  
 الهی هلاک شده اند خواه انانکه با عذاب هلاک نشده اند  
 مضمون آیه در غیر رجعت قیامت باشند نیست مگر نماز رحمت



پس از قول خدا تعالی لا یرجعون زمان رحبت  
 یعنی آنانکه با عذاب هلاک شده اند زمان رحبت  
 رجوع نخواهند کرد و اما در قیامت پس باید جوع بکنند  
 زند شوند تا اینکه داخل دوزخ باشند **یا حلیل**  
**و هفتم قوله** فی سورة التلمذ رآه هشاد و  
 و اذا وقع القول علیهم اخرجناهم دابة من الارض  
 تکلمهم ان الناس یا یا تنال یوقوت یعنی قیتکد  
 بر خلاق واقع میگردد بیرون میاوریم در زمین دابة را که با ایشان  
 سخن میگوید بدستی که خلاق آیات ما را تصدیق نمیکند  
 با آنها یقین ندارند و ذیل حدیثی یکی از مقصود فرموده که  
 حضرت رسول فرمود یا علی قتی که اخر زمان رسید خدا تعالی  
 ترا با بهترین صوتهابد نیابرون میاورد و در هر حال با تو  
 مهر میبندد که دشمنانت را با ان نشان مینماید در آنوقت هر  
 بخداست حضرت یعنی امام عرض کرد که اهل سنت میکنند  
 که چگونه میشود اینکه دابة با خلاق سخن گوید این ایه شریفه  
 باین گونه سخنان و داشته ان حضرت بعضی نفرین

فرمود که خدا تعالی با ایشان در آتش جهنم سخن بگوید  
 این است جز این نیست این دابة با این سخن گفتن که دنیا  
 خلاق متعارفت سخن نمیکوید و ابی بصیر از عباد  
 روایت کرده که آنحضرت فرمود که رسول خدا بمسجد ائمه  
 امیر المؤمنین وارد شد که در آنجا جمع کرده و سر بر زمین  
 گذاشته خوابیده پس در آنجا آمد حضرت با پای بر کمر خضرت  
 بکشد از فرقی که ای دابة بخیز و بعضی سخن میگویند که  
 دابة خدا بخیز چون آنحضرت این سخن را فرمود مردی از اصحاب  
 عرض کرد که یا رسول الله یا حر خصیم که بیکر زبانی نام  
 بنامیم فرمود نه بخدا سو کنید یا میگویم هر انچه این لقب  
 مختص حضرت با و است و ایشان دابة که خدا تعالی در کتاب  
 خود ذکر نموده حضرت را ملاوت فرمود و ایضا وقع القول علیهم  
 دلیل بر اینکه این ایه در خصوص جنت است بدین مناسبت  
 حضرت شاقم فرمود که هر که بکار بنی یاسر گفت که یا ابانکه  
 ایه در کتاب خدا دلم را معشوش و فاسد گردانید و شکستی  
 دلم انداخته همان گفت که ان کدام است گفت این است



وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ الْحَاقُّ إِنَّ دَابَّةَ كَافٍ بِخَلْقٍ كَوِيدٍ كَلَامٍ  
 است عمار گفت بخدا سوگند یاد میکنم مهربانم نمی نشینم و  
 نمی خورم و نمی شامم تا وقتی که آن دابره را بتو مینمایانم پس  
 عمار با امزد بخدمت امیر المؤمنین آمد که آن حضرت خرمای  
 و کرمه میخورد فرمود یا ابایقظان بیا عمار نشست بالخصرت  
 مشغول خوردن شد چون امزد نشستن و خوردن را و  
 دید که از او بجنبه میزد زیرا که بخیاالش سید که عمار سوگند یاد  
 کرد که نه نشیند و نخورد و نیشامد تا وقتی که دابره را بمن نشان  
 بد هد حال آنکه نشست و خورد و دابره را بمن نشان نداده بود  
 عمار را بجایش برخواست امزد از راه بجنب گفت سبحان الله یا  
 ابایقظان تو سوگند یاد کردی که نخوری و نیشامی نه نشینی تا  
 وقتی که دابره را بمن بنمای عمار گفت اگر تعقل و تأمل داشته  
 باشی او را بتو نمودم یعنی مراد از دابره امیر المؤمنین است و  
 هم بتو نمودم نشان دادم **ایرجعه هشتم**  
 قولنامه فی سورة النمل در اضرایه از سور مزبور و قل  
 الحمد لله سیوریکم ایاتیه ففقر فوفیها و فارتبک بفعل

عَمَّا تَعْمَلُونَ یعنی بگو ستایش مر خدا را که بعد از این  
 نمایاند بشما آیات خود را پس شما آنوقت انصار می شناسید  
 یعنی امیر المؤمنین و سایر ائمه علیهم السلام چون بدینار حو  
 میکنند شما نشان و قیسه ایشان را می بینند می شناسند  
**بیان دلیل بر اینکه خدا از آیات ائمه است** قول امیر المؤمنین  
 است که فرمود خدا را ایاتی بزرگتر از من نیست **ایرجعه نهم**  
**چهارم** قوله فی سورة الحج در ایه سی و نهم اذن للذین  
 یقاتلون بانهم ظلموا و ان الله علی بصیرهم لقد یزالون  
 اخیر جواب من در بار هم بغیر حق یعنی اذن داد میشو بانان که  
 قتال می کنند در مقابل اینکه مظلوم شده اند و خدا بیغالی بر  
 نصرت ایشان قادر است ایشان انانند که از دیا و وضعت  
 خود را بناحق بر من کرده شدند و بحسب بن علی با آنکه  
 بنی اسرائیل که دشمنان ایشان بر ایشان علیه خود مثلند  
 چنانکه حسین بن مهال بن عمرو فرمود که مثل مادر میافوم  
 مثل بنی اسرائیل است در میان ال فرعون که قوم ما پس از ما  
 را بقتل خواهند رسانید زنان ما را باقی خواهند گذاشت



یعنی خواهند گشت ایمن بخشایم هر قولی است  
در سوره قصص که را به هشتم ان الذی فرغ من عبایک  
القرآن اراذک الی معاد یعنی بدوستی خدا بشکستن  
کرد ایند بر تود این زاهراینه کردند است تا بمعا یعنی  
در زمان رجعت در وایت است که حضرت باقر فرمود  
کمان نمی کنم پیغمبر شما را مگر اینکه بر شما طالع میکند طلوع  
کرد یعنی نشد بسو شما خواهد برگشت از حضرت گفت  
عاید السلام پرسیدند از قول خدا تعالی الذی فرغ  
الح ان حضرت فرمود نه چنین است بخدا سو کند یا در میان هر این  
دنیایا غریب است و قتی که رسوا خدای و علی از توبه با هم جمع  
نشد پس در انجا ایاری می کنند مسجد بنامیند که عظمت  
ان در سیرج تهر بخانه کرد و توبه نام جای است در کوفه که  
انجاست قبر ابی موسی اشعری و تبره خیر بن شعبه ایمن  
نمک و یکم قولی نعم فی سوره السقا دایره ۱۶۸  
فاذا نزل یباحیهم فساء صباح المُنذَرین یعنی وقتی که  
نازل شود بباحث ایشان بدو صبح اندازد و شکان

[illegible]



ایمان آوریدیم و انکار کردیم آنان را که خدا شریک قرار  
 پس بنوده است صفت بد هدایتان ایمان انما  
 زبانی که درین است مثل ما را این است سنت و اب خلاق  
 در خصوص بنده کاش کند شتر و جای شده و زیان کار شده  
 اند در این مقام کافر ها در حدیث وارد شده که ایه شریفه  
 در خصوص جنت است که قوله ثم لما را و ابنا یعنی  
 و در جنت این بنجاه و حماع قوله ثم فی  
 سوره ق در ایه چهل و چهارم یوم تشق الارض عنهم سراعا  
 یعنی بین از مردگان رو به شکافه میشود در حالتی که ایشان  
 با سرعت بر میخیزند علی بن ابراهیم در تفسیر خود گفته که این ایه  
 خصوص جنت است این بنجاه و حماع قوله ثم فی  
 مریم در ایه هفتاد و هفت حق اذ را و اما یوعدن یعنی تا  
 وقتی که دیدند چیزی را که بایشان وعده داده شده است در  
 همین تفسیر فرموده که مراد از آنچه بایشان عده داده شده  
 امیر المؤمنین است در روز جنت این بنجاه  
 ششم قوله ثم فی سوره الطارق نذایه ایتهم

یکیدون کید و اکید کید فقیل الکافرین امهلمهم  
 و ویدا یعنی بد و سیکه کافران حیل می کنند حیل  
 کرده فی پس بکافران موهبتی ده موهبت دادی از ما  
 پر سیک انداز معنی ایتهم یکیدون کید فرموده که کافر  
 و منافقان و کفار و رسول خدا و امیر المؤمنین و فاطمه حیل  
 و تدبیر نمودند پس خدا بیتی عالی فرمود که یا محمد ایتهم یکیدون  
 الخ عجلت بعد از امهلمهم و ویدا در سیزدهم بخار گفته است  
 زیرا که اگر قائم قیام نماید برای من از ستم کاران طغیان  
 کنندگان قریب و بی آینه و بی اخلاق اشقام میگردد  
 این بنجاه و هفتم قوله ثم فی سوره الضحی و الاخره  
 خیر لك من الاولی یعنی هر چند آخرت برای تو بهتر است  
 از دنیا در روایت است که انحصار فرمود که معنی این است  
 که یا محمد زمان جنت بهتر است بر تو ازین زمان و عمر  
 کرد که مراد از قول خدای تعالی و لکوف یطیبتک نیک درستی  
 چیست و مراد این است که یا محمد در هر کار تو انقدر بتو عطا  
 میکنند که راضی و خوشنود میشوی از ابی الحار و او ان



کسی و ایت می کند که از علی شنید که میفرموده العجب  
 العجیب بن جادی و حب در الحال مردی برخواست گفت یا  
 امیر المؤمنین چیست این امر عجیب که پیای زان عجب میکنی  
 فرمود که تکلنک املک یعنی که مادرت بغضای تو ماتم بگوید  
 کدام امر عجیب است که عجب باشد از مرد گاهی که زندگانی  
 و همه دشمنان خدا و رسول و اهل بیت او را میزنند  
**این پنجاه و هشتم** قوله تعالى في سورة المدثر  
 اية ملام انما الاحد الكبر نذيرا للبشر يعني بدستیکه  
 ان هرینه یکی از بزرگداشت ترسانند مرثیه حضرت با  
 فرمود یحیی محمد ترسانند خدای است در روز رجعت  
**این پنجاه و نهم** قوله تعالى في سورة المؤمن ذراییه  
 انا لنصر رسولنا والذين امنوا في الحیوة الدنیاء و یوم  
 یوم الاشیاء یوم لا ینفع الظالمین معین و نعم و  
 لهم اللعنة و لهم سوء الدار یعنی بد دستیکه ما  
 هرینه یاری میکنیم بفرستاده شدگان خود تا و با  
 که ایمان آورده اند در زندگانی دنیا و در روز

که شاهدان بر میزنند و وزیر که نفع نمیدهد بستم کلاه  
 عن تراوردن ایشان و برایشان است لغت زامی صادق  
 علیه السلام فرمودند که بخدا سوگند یا میکنم هرینه  
 مضمر این آیه در زمان رجعت بعرضه ظهور خواهد داد یا  
 ندانسته که معجزان خدا بیاند و دارد نیا هر که خلاق  
 بایشان یا نکردند و کشته شدند امامان و پیشوایان  
 کشته گردیدند و یاری کرده نشدند پس یاری کردن خدا  
 بایشان در زمان رجعت خواهد بود **این شصتم**  
 قوله تعالى في سورة ق ذراییه و استمع یوم ینادی  
 المنادی من مکان قریب یوم یسمعون الصکرات  
 بالحق و ذلک یوم الخرج یعنی و گوش بد و وزیر که ندان  
 کنند ندان میکند ندان کنند از جایگاه نزدیک ان روز است  
 که میشوند خلاق صیحه را که حق است و این است روز خروج  
 جمیل بن دراج از حضرت صادق پرسید که این آیه در خصوص  
 امر است فرمود در خصوص رجعت است **این شصت و یکم**  
 قوله تعالى في سورة الاسرى یعنی سجناد را











نازل میگردد پس کرد نهضای ایشان در پیشان دلیل و  
 بکت میشوند این عباس گفته که این آیه در شان مملوین  
 امیه نازل شد ما را بر ایشان دولتی و سلطنتی است پس  
 کرد نهضای ایشان بعد از آنکه سرکش و گردن کوش بودند بر آیه  
 ما ذلک بکت میشوند بی بصیرت میگویند از حضرت باقر ع ان  
 معنی ل خدا یغاثوا ان نشاء ذلک الخ پرسید فرمود که گردن  
 ها بنی امیه پیشان آیت بکت میشوند و این آیت در وقت نازل  
 آفتاب یعنی وقت ظهر میشود ان عبارت از علی بن ابیطالب  
 که در وقت ظهر در بالای سر خلافت نمایان می شود حق و مبارک  
 دیدن میشود بطریقی که خلایق حسب انحضرت را می بینند  
 بعد از ان فرمود اکامبا شید که بنی امیه در ان چنان می باشند  
 اگر مرگ از ایشان در وقت درخت پنهان شود مانند خست گوید  
 این مرد از بنی امیه است او را بقتل میرسانند ای سرشکست  
 و نماند قه لایم فی سقر المعارج ذلایه عزم خاشعته  
 ابصارهم ترهقهم ذلک ذلک الیوم الذی كانوا  
 یوعدون نینی در خالق که چشمهای ایشان خشم فروغ

کنند

کنند است بطریقی که انضا اول ذلت و خواریه فرامیگیرد  
 این روز در و زبیت که بایشان وعده داد مشد است  
 میگردانم شخصی حضرت باقر ع سوال کرده در خصوص این  
 آیه فرموده که در خصوص خراج قائم است ای سر  
 هفتای ما قوله تعالی فی سورة التکاثر کلا سوف  
 تعلمون ثم کلا سوف تعلمون یعنی چنین نیست خواهند  
 دانت بعد از ان خواهند دانست عجل بن نجیح گفته که آیه  
 را بخدمت حضرت صادق ع عرض کردم انحضرت فرمود یعنی  
 ایشان یکبار در روز رجعت بار دیگر در روز قیامة  
 خواهند دانست که اعتقادشان در خصوص مذهب مکت  
 باطل بود است ای سر هفتای یکم قوله تعالی  
 فی سورة التمس فندم علیهم ربهم بذنبهم  
 فسوف یهان لا یخاف عقیبها یعنی پروردگارشان ایشان را  
 در موض کنا هان شان هلاک متا صل که ایند پس این  
 گونه هلاک را که همه را فرار گرفت بایشان دچار نمودنی  
 ترسد از عاقبت نافرمانی از حضرت صادق ع فضل بن عباس



روایت نموده که آن حضرت فرمود که مضمون این آیه  
 در زمان رجعت بعرضه ظهور خواهد رسید فرموده آن  
 مثل این بلیه در وقت که بدینا رجوع نمی ترسد باز از  
 مصیبت و نافرمانی پرهیز **ایر هفتاد**  
**و می** قوله تعالى في سورة ن والقلم در آیه آ  
 سَنَسْتَدْعِي عَلَى الْخَطِيئَةِ نَعْمِ دَاغِ خَوَاهِيمِ زِدْ بَرْدِ نَاعِشِ  
 در خبر است که این در زمان رجعت خواهد شد وقتی که  
 امیر المؤمنین و دشمنانش بدینا رجوع می کنند ایشان را  
 با هم می کشد که با او ست دَاغِ می کشد چنانکه بهایم از لب  
 دهان دَاغِ کرده میشوند **ایر هفتاد و یک**  
 قوله نعم في سورة عم يوم ينفخ في الصُّور فتَأْتُونَ  
 افْوَاجًا یعنی روزی میشود که در صُور می شود  
 پس می آیند فَوْجِ فَوْجِ یعنی قومی بعد قومی بدینا بر می  
 کردند احمد بن عقیله از پدرش او را حضرت ضاق تم  
 روایت نموده که از آن حضرت رجعت پرسید شد که آیا  
 حق است آری گفته شد که کیت اول کسی که خارج

میکند

۸۹  
 میکند فرموده امام حسین تم است که آن بی قائم خارج  
 میکند در عرض کردم آیا همه خلایق با آن حضرت می مانند  
 فرمودند بلکه بطریق می میباشند که خدا به تعالی در کتاب  
 خود ذکر نموده است و آنرا فرمودند یَوْمَ يَنْفَخُ الْخ  
**ایر هفتاد و یک** قوله نعم في سورة عم  
 در آیه ۵۴ وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ أَنَّهُ كَانَتْ  
 صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا دینی یا محمد ذکر کن  
 در قرآن اسماعیل را بدستی که وعده او صادق بود از  
 جانب خدا فرستاد و خبر هکذا بود برید عجمی گفته که چند  
 ضاق تم عرض کردم یا ابن سوانه آیا این اسماعیل که در قرآن  
 ذکر شده اسماعیل پسر ابراهیم است چنانکه فرقه مخالفان  
 چنین گمان دارند فرموده چنین است که گمان کرده اند  
 که اسماعیل پیش از وفات ابراهیم وفات نمود و گوید انکار من  
 کردم که فدای تو شوم پس مراد کدام اسماعیل است فرمود اسماعیل  
 پسر حزقیل است خدا تعالی و را بوی قوم خویش مبعوث  
 نمود قوم او را تکذیب کردند و کشتند و پوست و پش  
 کنند پس خداوند قهار بجهت او بر ایشان غضب

ن



نمود و سطا طایل را که ملک عذاب است بنزد او فرستاد  
سطا طایل باو گفت یا اسماعیل من سطا طایل ملک  
عذابم جناب با لغز مرا بنزد تو فرستاد برای اینکه بقوم تو با  
انواع عذاب اگر خواهی عذاب کنم گفت یا سطا طایل مرا این  
احتیاج نیست نگاه خدا تعالی با روحی فرستاد که با اسماعیل  
حاجت چیست اسماعیل عرض کرد پروردگار تو از خدای تو عهد  
پیمان گرفتی که ترا پروردگار و محمد را پیغمبر او صیقا او را ولی و  
پیوسته داند بمخلوقات خویش را و چیزی را که بعد وفاتش بر حسین  
بن علی علیه السلام خواهند داد و تو بحسب علی علیه السلام  
و عهد فرموده که او را بدینا بر گردانی بر آنکه حجت خود انتقام  
بستاند از آنانکه این کار را در حق او کردند پس پروردگار حاجت  
از تو این است که مرید بدینا بر گردانی تا اینکه انتقام بکنم از آنانکه  
کار را در حق من کردند چنانچه امام حسین را بدینا خواهی گردانید  
پس خدا تعالی مسئلت او را قبول فرموده این مراد را به او و عهد  
پس او در درجعت با امام حسین بدینا خواهد گردانید  
**اینها و ششم** قول تعالی فی سورة هود

وَلَقَدْ اَرْسَلْنَا مُوسٰی بِآیَاتِنَا اَنْ اَخْرِجْ قَوْمَكَ  
مِنَ الظُّلُمَاتِ اِلَى النُّوْرِ وَذَكَرَهُ بِآیَاتِ اللّٰهِ حَتّٰی  
یعنی هر اینه فرستادیم موسی را با آیات خود همان اینکه  
بیرون او رقوم خود را از تاریکی به سوی نور و بیاد ایشان  
بیاورد و نوحی خدا را علی زهرا هم و تفسیر خود گفته که  
ایام خدا نشانه است و قائم عمر و مدد و در نه قیامت  
**اینها و ششم** قول تعالی فی سورة الرعد و آیه  
مَدُّ هَامَانَ یعنی و باغ سبزه یونس بن ظبیا از  
ابی عبد الله روایت کرده که آن حضرت فرمود که نمایان  
مکرم و مدینه و وقت ظهور غیبت ایشان ها با هم میرسد  
**اینها و ششم** قول تعالی فی سورة  
در آیه ۸ یُونٰی و نُوْیُطْفِقُوْا نُوْرًا لّٰهِ یَا قَوْمِ هَیْمُمْ  
اللّٰهُ مُنِمْ نُوْرٍ وَاَوْکَرَهُ الْکَافِرُوْنَ یعنی مراده  
میکنند که خاموشی نمایند نور خدا را با و همنما  
خودشان و حال آنکه خدا تمام کند است نور خود را  
صاحب تفسیر میفرماید که خدا با قائم تمام نور











چون خلافت از قبیله یاسین میایدند ظلمت ایشان را فرامی  
 ببرد در آن حال گویند **ای ای شمشاد** **ششمین**  
**عذاب عذاب الیم ربنا اکثف عنا العذاب انا مؤمنون**  
 یعنی این عذاب در دناست خدا یا کاش از عذاب بر  
 بدستی که ما ایمان آوردیم **ای شمشاد**  
**هفتم** قوله فی سوره ذریه ۱۰ **الایوم یابئکم لیس**  
**مصرفا عنکم وحق بهم ما کانوا یستحقون**  
 یعنی مرا اینه میاید ایشان و آنکه عذاب از ایشان بر نخواهد گذشت  
 و عذاب برایشان در عرض استغفار و سجدت نخواهد رسید **بیان**  
 مراد از آن در و قیام قائم است که بان استغفار میکنند و الا  
 در وجود بودن و قیامت هیچ فرقه از مسلمین بلکه اغلب فرقا  
 خارج از اسلام انکار دارند تا بان بشنوند استغفار نمایند  
**ای شمشاد** **هشتم** قوله تعالی فی سوره الاسرا  
**عنی بکم ان یوحکم وان عدم عدلنا وحبنا لجهنم**  
**للكافرین حصیرا ذریه** یعنی امید هست اینکه  
 رحم کند پروردگار شما و هرگاه برگردید ما هم برگردیم

نوشته  
 از قبیله یاسین

نوشته  
 از قبیله یاسین

تغییر است اگر شما با خروج سقیایه برگردید ما هم باقی  
 الیوم بر میگردیم **ای شمشاد** **نهم** قوله  
 فی سوره العنکبوت ذریه ۲۰ **ولئن جاء نصر من ربک**  
**لیقولن انا کنا معکم اولیس الله باعلم فی خبیر**  
 الباطن یعنی مرا اینه هرگاه بیاید یار من نصرت از پروردگار  
 از هرینه اینان میگردید که ما با شما بودیم **ای شمشاد**  
 در سینه شما اشک عالم است و الم نیست صاحب سینه برگشته که  
 از نصر قائم است **ای شمشاد** **دوم** قوله  
 فی سوره ذریه ۴۰ **ولئن انتصر لیبئذ ظنرکم**  
**فاولئک ما علمتم من ربیل حاصل حتی آنکه**  
 باری گردد پیشو بعد از مظهر شدن پس برنده شود  
 صاحب تغیر گفته که ای جعفر فرمود که کسانیکه برگردند  
 میشوند قائم و صاحبان دین پس برایشان راه تلبیست  
 قائم و زمانیکه قیام کرد بر بنی امیه غالب بود **ای شمشاد**  
**یکم** قوله تعالی فی سوره الصف اعنی سیم ذریه ۳۱ **نصر**  
**من الله وفتح قریب بشر المؤمنین** یعنی یار از خدا

نوشته  
 از قبیله یاسین



[illegible]



از آنچه بفرست از قادیان بر سر پیک اندر فرموده که ان اما  
 است که در زمان خود در سال و بیست و شصت غایت  
 شود و بعد از آن ظاهر میگردد همانند شهاب رتار و یکی  
 اگر او را در کوردی شاد خواهد شد یا اینکه چشمت روشن  
 میباید ای نوح و هفتم قوله تعالى في سورة  
 الملك ذرانية اخر سورة ان اصبح ما وكم غورا فمن ياتكم  
 بماء معين يعني هرگاه بگرد آب شما برین فرود رود  
 کبیت که میاورد بشما اب صاف و عاقل علی بن حبه از ابی  
 بصیر از آنچه بفرست روایت کرده که این نایه در شان قائم  
 نازل شدن هرگاه امام شما غایب باشد ندانند که در کجا  
 پس که میاورد بشما ان امامی که احببنا اسمان زمین را بشما  
 خبر بد شد بخند سو کنند و میگویند هر اینده منسوب به این  
 متحقق نشد و برود و تحقق میسر آید ای نوح و  
 هشتم قوله تعالى سورة الان ذرانية ۴۰ وقلنا  
 الايام نداولها بين الناس ليعلم الله الذين امنوا  
 ویتعذ منكم شهداء یعنی این ایام گردش میکند

دولت

انهار در میان مردم و باید بدانند خداوند شامع و پاک  
 ایمان آورده اند بگرد از شما شاهد از زمان از حضرت  
 ابی عبد الله روایت کرده که آنحضرت فرمود که از وقت  
 خلقت تا دم تا این زمان دولت برای خدا و رسول و برای  
 اهل بیت بود پس گوید دولت در این زمانها و نیست مباد  
 خدا مکرر آنها قائم یعنی بر امام طهارت و سلطنت برسد  
 است که ان سلطنت بر خداست پس برای قائم خواهد شد  
 ای نوح و نهم قوله تعالى في سورة الحديد ذرانية  
 ۱۲ اعلوا ان الله ينجي الارض بعد موتها قد  
 بئنا لكم الايات لعلكم تعقلون یعنی بدانند که خدا  
 وند تواند میکند پس از بعد از مردنش بتجسس پیکان  
 گردیم برای شما آیات را شاید شما تعقل نماید از عباد و  
 کرده یعنی خدا زمین را بعد از مردنش زلزم باها مملکتها  
 زند میکند ای صدم قوله تعالى سورة النبا  
 ذرانية ۳۰ اليوم ينس الامم وامن وینک فلا تخشون  
 واخلشون في اليوم اخلص لكم الى اخر الآية یعنی امروز



شدند اما آنکه کافر شدند نزد بن شما پس از آنها آمدند  
 و بر سیدان زمین حضرت فرمود در روزی که قائم م قیام می کند  
 بنی امیه مایوس میشوند پس ایشانند کافران که ازال  
 محمد مایوس خواهند شد **ایم صلی** مایوس خواهند شد  
 فی سوره التوبه در آیه ۳۴ و اذان من الله ورسوله  
 الی الناس یوم الحج الاکبر یعنی عیدان اجازه است  
 از خدا و رسول و در روز حج اگر معصوم فرمود مقصود  
 خرج قائم م و دعوت و ست مردم را بسوی خود  
**ایم صلی** و ایم قولہ تعالی فی سوره فصلت  
 در آیه ۴۰ و لقد اتینا موسی الکتاب فاختلف فیہ  
 یعنی هر آینه دادیم موسی کتاب را پس اختلاف کرده شد و آن  
 امام م فرمود که بنی اسرائیل اختلاف کردند در خصوص کتاب  
 موسی چنانکه این امت دکنایبکه در نزد قائم م اختلاف  
 حتی ان کتاب جمع کثرا نکار میکنند قائم م کرد انصاف  
 مینند **ایم صلی** سیم قولہ تعالی فی سوره الاسر  
 در آیه ۱۸ و کل جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل کان

کان زهوقا یعنی بگو حق آمد و باطل رفت  
 امام م فرمود در نایب که قائم م قیام میکند دولت طلب  
 میرود **ایم صلی** و چهارم مایوس خواهند شد  
 فی سورتان در آیه ۲۴ التور و ان الله یخسر لکم ما  
 فی السموات و ما فی الارض و اسبغ علیکم نعمته  
 ظاهره و باطنه یعنی با بنی پسند بنده منفر کرد  
 برای شما آنچه را که در آسمانها و زمین است کامل  
 نموده بر شما نعمتهای ظاهری و باطنی خود را در روز  
 آمد که امام م فرمود نعمت ظاهر امام ظاهر و نعمت باطنی  
 اما علی است که از نظر مردم غایب گردد و ظاهر میشود بر او  
 خزان زمین هر چند که دو باشد با و نزدیک می گردد  
**ایم صلی** و پنجم قولہ تعالی فی سوره ص در  
 آیه اخرش و لتعلمن نبأه بعد حین یعنی هر آینه  
 میدانید خبر او را بعد از وقتی امام م فرمود که در  
 وقت خروج قائم م خواهند دانست **ایم صلی**  
**صل و ششم** قولہ تعالی فی سوره

در روزی که قائم م قیام میکند دولت طلب میرود

در روزی که قائم م قیام میکند دولت طلب میرود



مر می درایه ۷۰ حتی اذا را و اما یوعید و ن ایما  
العذاب و ایما النجاة فسیعلمون من هو شر  
مکانا و اضعف جند یعنی تا زمانیکه به پیشانی  
را که وعد داده می شوند یا عدل یا انصاعت پس می  
دانند که کیست تراز جهت مقام کمتر از جهت لشکر  
از ابوعبید ۴ روایت کرده اند که آنحضرت فرمود که وقتی که دید  
خرج قائم را پس روان دو میداندان چیزی را که بدست  
قائم را از خدا بایشان میرسد می دانند که کیست و قائم  
علیه السلام بدتر از جهت مقام و کمتر از جهت لشکر  
صلی الله علیه و آله و سلم قول الله فی سورة التور و درایه  
۴۰ من کان یرید حرث الاخرة نزله فی حشره و من  
کان یرید حرث الدنیا نوله منها و ما لکم من  
الاخرة من یضییب یعنی هر کس که باشد را و کند  
زراعت آخرت را زیاد میکنیم زراعت را و هر کس که  
باشد را و کند زراعت دنیا را یعنی هر کس که  
باشد میباید با و از آن دنیا نیست و زراعت دنیا

ورنقها  
اقا العذاب  
يعني قلب  
يعني مو  
يعني قلب  
وإن للذين ظلموا  
عذابا دون ذلك  
ولكن الذين  
يعلمون  
صاته من قبل  
فذلك الله وحده  
الأخوة التي  
صلا بغير  
است  
ظلموا إلى  
فهم

افزایند

10.

دو روایت است که امام ع فرمود که حرث اختر  
امیر المؤمنین و سی ائمه علیه السلام است و گفت  
معنی تو دله فی حرثه چه می باشد فرمود که بضیبت  
در دلت ائمه ع زیاد میشود و فرمود که بضیبت دنیا  
را نخواهد در دلت حق از قائم ع او را بضیبتی نمی باشد

تمام شد ایات که در بر طوس و جغت بنوف  
 و عنایت حضرت احدی حضرت اسماعیل و جغت بنوف  
 ائمه علیهم صلوات الله علیهم و علی آله و سلم  
 بنی برکت و ایات شریف طوس و جغت بنوف  
 الله ان عظمه و ایات شریف و علی آله و سلم  
 و رحمت و ایات شریف و علی آله و سلم  
 علیهم و رحمت و ایات شریف و علی آله و سلم  
 تا انقضای و ایات شریف و علی آله و سلم

اولاً بترکاو تمیناً از وی تو بسک استمداد من محمد الله الی  
عجل الله فرجه ابتداء فی ذکر رب فقره توقع رفیع اربا حیدر

مختص - ان شاء الله - بحمد الله -



از عود امام زمان  $\text{ع}$  شرف حاصل و برافته در غیبت موقوف  
 ده و احتیاج طبری  $\text{ع}$  میسر است که حیرت در خصوص  
 چیزی بخندمت حجة ابن الحسن از جانب مردی که بحق معتقد  
 بود و متعه را حلال میدانست بر حجت قائل بود نوشت  
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اَشْهَدُ اَنْكَ حُجَّةُ اللَّهِ اَتَمُّ الْاَوَّلِ الْاٰخِرِ  
 وَاَنْ رُجْعَتَكُمْ حَقٌّ لَا شَكَّ فِيهَا يَوْمَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا اِيْمَانُهَا اَوْ  
 تَكُنْ اٰمَنَةً مِنْ قَبْلُ اَوْ كَسَبَتْ فِي اِيْمَانِهَا خَيْرًا **بِسْمِ اللَّهِ**  
 شخصی بحق قائل است متعه را حلال میدانند بر حجت معتقد  
 است لیکن زنی دارد موافق طبع با عرض مطیع بن جهمه با و  
 عهد پنهان بسته که بر وی وزن نیکم وزن بخیره برود  
 او تزویج نکند بوعده خود و فامرد نوزده سال بر این عهد ایستاد  
 بپا میثود که از منزلش یکماه غایب شود ران متعه نمی کند و  
 دلش بمایین می طلبد چنانچه میداند که اطلاع نماند که در نزد او  
 مانند برادر و پدر غلام و وکیل خدمت کارانش بر متعه کردن  
 او امریست که او را در نظر ایشان خوار و حقیر نماید چنانچه  
 دانند که ایستادش در سر عهد پیمان از راه میل و محبت

برن خود و برای حفظ احترام او و احترام خود بروی واجب  
 است نه اینکه متعه را حرام میدانند بلکه بران معتقد  
 است ایما بر ترک متعه معصیت مرتبت میثوب یا نه حجت  
 يُحِبُّ لَكَ اَنْ يُطِيعَ اللَّهُ تَعَالٰی لِيَرْفُلَ عَنْهُ الْخَلْفُ  
 وَلَوْ مَرَّةً وَاحِدَةً یعنی سنت است برای او اطاعت خدا  
 تعالی در خصوص متعه کردن هر چند یکبار نماید تا اینکه  
 زائل گردد از او حکم قسم خوردن بر ترک متعه یعنی باید آنگاه  
 یکبار متعه نماید تا اینکه حکم قسم خوردن از او زایل گردد  
 و توقیعاً که از ناحیه مقدسه بعنوان شیخ مفید صحت  
 در کتب معتبره ضبط است بمزاینها دلیل است بر اینکه آن  
 بزرگوار  $\text{ع}$  در حجاب عنیت متوارک و زنده است **اَمَّا**  
 فقرات زیارات که از حضرت ائمه علیهم السلام وارد است  
 و دالیه علماء شیعه بحج اسلام و مجتهد مذکور جبار و  
 شاهد مشرفه و عباقراست شما شده و باحال زاهد  
 از اهل دیانت اهل علم اعتراض ابرار در و رد آنها  
 از ائمه معصومین ظاهر شده است اگر آنها دلالت

در کتب معتبره ضبط است  
 بمزاینها دلیل است  
 بر اینکه آن بزرگوار  
 در حجاب عنیت متوارک  
 و زنده است



می کنند بر خط و حضرت موسی و رحمت سایر امامان  
چند فقره از اینها در این و جبهه منزه بصیرت و  
مختص کمال بعین درج میشود الثامن غا و طلب مغفرت  
در حق این منک کناه کار از قاطبه و مبین توقع می رود  
**فقره اول** موسی عبد الله بنی از امام علی النقی  
در زیارت جامعه و تائید زیارت را ذکر کرده اند اینک گفته  
وَجَعَلَنِي مِنْ بَقِيَّةِ اَنْبِيَائِكَ وَرَسُلِكَ سُبْحَانَكَ  
يَا مُنْتَدِي بِصَلَاتِكَ وَتُحَرِّقُ زُرَّتِكَ وَتُكَرِّمُ  
رِجْعَتِكَ وَتُمَلِّكُ فِي دَوْلَتِكَ وَتُشَرِّفُ فِي غَايَتِكَ  
وَتُمَكِّنُ فِي اَيَّامِكَ وَتَقَرُّ عَيْنُهُ عَلَى بَرِّ وَبَيْتِكَ بَعْنِي خَلْدُكَ  
عَالِي بَكْرٍ دَانِدَمِ از آنان نماید که پدر شما میباشد در راهها  
میروند به هدایت شماره می نمایند در جبهه شما محسوس شوند  
در زمان جعت شمار و میاورند و آیات و شما بکبر قدر  
می باشد چشمهایشان را بادید شما روشن می باشد فقره  
**سوم** در زیارت و داع چنین وارد شده و  
مَكْنِي فِي دَوْلَتِكَ وَاحْيَانِي فِي رِجْعَتِكَ بَعْنِي

در آیات دولت شما ممکن و صاحب قدرت نماید و مرا  
در آیات رجعت شمارند که داند فقره **چهارم**  
صفت این مهتران جلال از حضرت صفاق در زیارت از بعضی  
روایت نموده و اشهاد به یکم مؤمن و یا یا یکم مؤمن  
بشرایع دینی و خواتیم یعنی شهادت میدهم باینکه  
من بشما ایمان آورده ام با شریعت دین خود و خاتمه  
علم از جمله یقین کنندگان بر حقیقت شما فقره  
**چهارم** صفتان روایت نموده و او گفته از حضرت  
صفاق در زیارت آقای صاحب اذن  
طایب و از آن حضرت خواهر نمودم بمن پیامون  
که زیارت آنحضرت را چاره بعل ورم و حدیث  
ذکر نموده تا اینجا که آنحضرت در زیارت فرمود و  
اَسْمِئِكَ اللَّهُ وَمَلَائِكَتُهُ وَانْبِيَائِهِ وَرُسُلِهِ اَيُّ  
بِكُمْ مُؤْمِنٌ و یا یا یکم مؤمن بشرایع دینی خواتیم  
عملی یعنی شاهد می بگویم خدا و ملائکه و پیغمبران  
او را باینکه من بشما ایمان آورده با شریعت



های دین و خاتمه های علم بر جنت یقین کنند ام  
**فقره** پنجم خیر بن عبد الله از حسین بن روح  
 نقل نموده او گفته که هر کدام را از مشاهد مشرفه که  
 بخواهی زیارت بکنی وقتی که داخل روضه بشوی بدین پنج  
 کوی زیارت را ذکر نموده تا آخر میگوید **حَتَّى الْعَوَّالِ**  
**حَضْرَتِكُمْ وَالْفَوْزَ فِي كَرَّتِكُمْ** یعنی تا وقتی که با شما  
 شام بر گردم و در زمان رجعت شما را مستکار شوم  
**فقره** ششم بابی قسم بن علاء همدانی وکیل امام حسن  
 عسکری ع نوشته در آمد بدن مضمون آن **مَوْلَانَا الْحَسَنِ**  
**وَلَدَ يَوْمَ الْبَيْتِ لثَلَاثِ خَلَوْنَ مِنْ شُعْبَانَ فَحَمَهُ وَ**  
**ادْعُ بِهَذَا الدُّعَاءِ دُعَاءِ ذَكَرَ مَعَهُ دُعَاءُ قَوْلِ الْخَصْمِ وَ**  
**سَيِّدَ الْأَسِيرَةِ الْمَدُّودِ بِالْبَيْتَةِ يَوْمَ الْكُرَّةِ الْمُعْوَضِ مِنْ**  
**قَتْلِهِ إِنَّ الْأَمَّةَ مِنْ نَسْلِهِ وَالْإِفَاءَ فِي رُبِّيَّةِ وَالْفَوْزَ**  
**فِي أَوْثَرِهِ وَالْأَوْصِيَاءَ مِنْ عَثَرَتِهِ بَعْدَ قَائِمِهِمْ عِبْدِي**  
**حَتَّى يَدُوكُوا الْأَوْثَارَ وَبِشَارُوا الشَّارَ وَبُصُّوا**  
**الْجُبَارَ وَيَكُونُوا خَيْرَ أَنْصَارٍ بَيْنِي أَفَافِي الْخَنَابِ**

که در روز رجعت مدد کرده شک است بکشته  
 شد پس عوض داد شک اینکه خدا تعالی ائمه را در روز  
 و ذریه او و سفاراد در تربتش و رستگاری با او در زمان  
 رجعتش و اوصیای از غرقش بعد از عیبت قائم ایشان  
 تا اینکه از فائلان ال محمد خون خواهی بکنند خدا را  
 از خود راضی خوشنود نمایند از بهترین یار کنندگان  
 باشند و آخر این دعا است **فَحْنُ عَائِدُونَ بِقَبْرِ**  
**نَشْهَدُ تَرْبَتَهُ وَنَنْظُرُ أَوْثَرَهُ آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ**  
 یعنی ما بقبرش پناه بزنیم ایم و بر سر تربتش حاضر شویم  
 و بر جنتش منظر میبایم ای پروردگار این دعا منجیب  
 کن **فقره** هفتم **عَلَى بَطَّارٍ مِنْ رُكُصَا الزَّكَا**  
**دَرِ زِيَارَتِ قَائِمٍ** که در سراب مبارک خوانده می شود بدین  
 نهج ذکر کرده و وقتی یا رب للقیام بطلائع المثلث  
**فِي خِدْمَتِهِ وَالْمَكِّي فِي دَوْلَتِهِ اجْتِنَابِ عَصِيَّتِهِ**  
**فَإِنْ تَوَفَّيْتَنِي اللَّهُمَّ قَبْلَ ذَلِكَ فَاجْعَلْنِي يَا رَبَّ**  
**فِيهِمْ يَكُونُ فِي رَجْبَتِهِ وَبِمَلِكُ فِي دَوْلَتِهِ وَ**



های دین و خاتمه های علم بوجبت یقین کنند ام  
 فقره پنجم خیر بن عبد الله از حین بن روح  
 نقل نموده او گفته که هر کدام را از مشاهد مشرفه که  
 بخواهی زیارت بکنی وقتی که داخل روضه بشوی بدین پنج  
 کوفی زیارت را ذکر نموده تا آخر میگوید **حَتَّى الْعَوَّالِ**  
**حَضْرَتِكُمْ وَالْقَوْنِ فِي كَرَّتِكُمْ** یعنی تا وقتی که باستان  
 شما بر کردم و در زمان رجعت شما را استکار شوم  
**وَقَرُّ شَشْمِي** یا به قسم بن علاء همدان وکیل امام حسن  
 عسکری هم نوشته در آمد بدین مضمون **اِنَّ مَوْلَانَا الْحَبِيبَ**  
**وَلَيْدُ يَوْمٍ لِّلنَّاسِ لَثَلِثُ خَلَوْنَ مِنْ شُعْبَانَ فَصَمَّ وَ**  
**ادْعُ بِهَذَا الدُّعَاءِ** دعا را ذکر نموده تا قول **نَحْضَمُ** و  
**سَيِّدَ الْأَسِيرَةِ الْمَمْدُودِ بِالْغَضَّةِ يَوْمَ الْكُرَّةِ الْمُعْوَضِ مِنْ**  
**قَتْلِهِ اِنَّ الْأَمَّةَ مِنْ نَسْلِهِ وَالْإِفَاءَ فِي تَرْبَتِهِ وَالْقَوْنَ**  
**فِي أَوْتَتِهِ وَالْأَوْصِيَاءَ مِنْ عَشْرَتِهِ بَعْدَ قَائِمِهِمْ عَيْبَتِهِ**  
**حَتَّى يَدُ رَكْوَا الْأَوْتَارِ وَبِشَارِ وَالْشَارِ وَبِرُصْنَا**  
**الْجَبَّارِ وَيَكُونُوا خَيْرَ أَنْصَارٍ بَعْنِي** افای انجنانی

که در روز رجعت مدد کرده شک است بکشته  
 شدنش عوض داشت این که خدا تعالی ائمه را در نظر  
 و ذریه او و سفاراد و تربتش و رستگار یار او در زمان  
 رجعتش اوصیای از غرض بعد از عیبت قائم ایشان  
 تا اینکه از فاندان ال محمد خون خواهی بکنند خدا را  
 از خود را خونی خوشود نمایند از بهترین یار کنندگان  
 باشند و آخر این دعا است **فَمَنْ عَائِدُونَ بِقَبْرِ**  
**نَسْهَدُ تَرْبَتَهُ وَنَنْظُرُ أَوْتَتَهُ أَمِينِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ**  
 یعنی ما بقبرش پناه برند ایم و بر سر تربتش حاضر شویم  
 و بر رجعتش منتظر میمانیم ای پروردگار این دعا را میخواند  
 کن **فَقَرُّ شَشْمِي** علی بن طاووس در مصباح الزکاة  
 در زیارت قائم هم که در سراب مبارک خواند می شود  
 نهج ذکر زده و وفیقنی یا ربِّ لِلْقِيَامِ بِطَائِفَةِ الْمُتَوَكِّلِينَ  
**فِي خِدْمَتِهِ وَالْمَلَكُ فِي دَوْلَتِهِ اجْتِنَابِ عَصِيَّتِهِ**  
**فَإِنْ تَوَفَّقْتَنِي اللَّهُمَّ قَبْلَ ذَلِكَ فَاجْعَلْنِي يَارَبِّ**  
**فِيهِمْ يَكْرُ فِي رَجْبَتِهِ وَبِمَلِكُ فِي دَوْلَتِهِ وَ**



يَتِمَكَّنُ فِي قِيَامِهِ وَيَسْتَظِلُّ تَحْتَ اَعْلَامِهِ وَيُحْشَرُ  
 فِي رُحْمَتِهِ وَتَقَرُّ عَيْنُهُ بِرُؤْيَا بَعْضِ بَرِّكَاتِ  
 بِنِ تَوْفِيقِ نَمَانَا اَيْنَكه باطاعت و خدمت المحضت قيام  
 و اقدام نمايم در ايام دولت و مكرت در ذك كنم و از محاسن  
 وى پرهيزم پس پروردگار اكر مرا بدست از توفيق المحضت  
 بميزان پس پروردگار و بگردان مرا از امان بكن كه در  
 زمان رحمت و زندگى و روياء و در ايام دولتش  
 بر اياست سلطنت ميرسند و عصر حجاب قدر و مكرت  
 و در يسابيد قوما و ميباود و برباد و محشر باشند بد  
 نايشان بديدنش روشن و نور و دلهائشان مسرور  
 ميباشد **فقره هشتم** على بن طائوس در صبح  
 الزا و از حضرت صادق ع روايت كرده كه انحضرت فرمود كه هر  
 بخواهد قبر مطهر خبار سوختن و ائمه را زيارت كند بايد چنان  
 بگويد و زيارت ذكر نمود تا اينكه فرمود اِنِّى مِنَ الْقَائِلِينَ  
 بِفَضْلِكَ مُفَرِّجٌ بِرُحْمَتِكَ لَا اُنْكِرُ لَكَ قُدْرَةً وَلَا  
 اَزْعَمُ اِلَّا مَا شَاءَ اللّٰهُ يَعْنِي مَنْ اَزْجَلْ اَعْتَقَادَ

كنه

كند كنم بفضيات شما و افراد دارم باينكه شما به دين بروجع  
 خواهيد كرد قدرت خدا را انكار نمي كنم و كنان نميكنم مگر  
 چيزي را كه خدا خواسته باشد. **فقره نهم**  
 سعد بن مسلم قانداي بصير روايت كرده او گفته كه بعض  
 اصحاب ما از صادق ع در زيارت حضرت حسين عا قول  
 انحضرت وَ نَصْرِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يُحْكَمَ اللّٰهُ وَ بَيْنَكُمْ  
 فَعَلَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ اِنِّى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ بِرُحْمَتِكَ لَا  
 اُنْكِرُ لَكَ قُدْرَةً وَلَا اَكْذِبُ لَكَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ اِنْ شَاءَ  
 اللّٰهُ لَا يَكُونُ بَعْنِي بَارِي كَرْدَنِ خُودِ رَا بَرَايِ شَاهِدِي  
 نموده ام تا اينكه خدا تعالى حكم كند تا اينكه زنده گرداند  
 بنا بر روايت ديگر حَتَّى يُحْكَمَ اللّٰهُ وَ شَمَارُ مَبْعُوثٍ نَمَائِدُ  
 باد شمنان شما نيستم من از انا نم كه بر جعت شما اعتقاد  
 نموده اند قدرت خدا را در زنده گردانيدن شما انكار نمي  
 نمايم و ميثقه او را تكذيب نمي كنم و كنان نميكنم اين را كه هر  
 چيزي را كه خدا خواهد شود بعد از ان حضرت صادق ع  
 در تيمه زيارت فرموده **اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ**

عبد



عَبدُكَ وَرَسُولُكَ تَايِنُكَ فَرَمُودِهِ اللَّهُمَّ اَتِمِّمْ بِهِ  
 كَلِمَاتِكَ وَانْجِزْ بِرِعْدِكَ وَأَقِيلْ بِرِعْدُوكَ وَكَلِّبْنَا  
 فِي أَوْلِيَائِهِ وَاجْتَابِيهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا شِيعَةً وَأَنْصَارًا وَ  
 اَعْوَانًا عَلَى طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ وَمَا وَكَلْتَ  
 بِهِ وَاسْتَخْلَفْتَهُ عَلَيْهِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ بِعَنْهُ بَرُودِ كَارِ  
 بَرای امیرالمؤمنین که بنده تو و برادر پیغمبر توانست صلوات  
 بفرست بعد از آن فرمود که خدا یا با قائم کلمات خود را  
 تمام کن یعنی ائمه را تمام کردن زیرا که کلمات خدا عبارت  
 است از ائمه و وعده خود را با آن حضرت بجا بیاورد و  
 دشمنان را با و هلاک گردان و باها را در جوده  
 دوستان بنویس پروردگار اماراد در خصوص برپاداشتن  
 طاعت و طاعت پیغمبر را واداشته و او را در خصوص  
 آنها خلیفه کرده از جمله با و کنندگان کردن فقره  
**یا زنده** در خبر دیگر از حضرت صادق علیه السلام روایت شده  
 که آنحضرت فرمود که چون نزدیک قبر حسین علیه السلام باید  
 بدین هنج کر و در نزد قبر هر امام کفایت میکند این که گو

و زیارت را در نموده تا بقول خود اللهم لا تجعله آخر  
 العهد من زیارة قبر ابن نبیک وابعثه مقاماً محموداً  
 تنصیر به لیدینک و تقبل به عذرک فانک وعدته  
 و انت الرب الذی لا تخلف الميعاد یعنی پروردگار  
 این زیارت را آخر زیارت قبر پیغمبر مکرران و او  
 را در مقام و رتبه پسندیده مبعوث نما که برای دین  
 خود با او یاری کنی و دشمنان ترا با و بقتل رساند که  
 این را وعده کرده توان پروردگار که وعده خود را  
 خلاف نخواهی کرد **فقره روا شده** علی بن  
 طاووس در کتاب الاقبال الاعمال ذکر کرده که مشتمل است  
 خواندن این دعا در روز دحو الارض که بیست و پنجمین <sup>بیت</sup>  
 است دعا را ذکر نموده تا قول خود و انجشانی گرفته ختم  
 نکون فی زمانه من اعوانه یعنی خدا یا ما را در وقت  
 رجعت آن حضرت مبعوث و زنده گردان تا آنکه در زمان  
 او از جمله یاران او باشم **و هکذا** در اکثر زیارت  
 منقول از حضرات ائمه علیکم السلام ذکر فقره و فقره رجعت



حضرات ائمه علیه السلام اشعار دلالت و لیکن توکا  
 با عهد مبارک باین دوازده حدیث کفایت شد .  
**تذکار** بعضی میسازند که بسیار از ادعیه ماثور  
 از حضرت ایشان نیز دلالت صریح بر ظهور و شریعت  
 الله الا عظم و رجعت حضرت ائمه دارند خصوصاً ادعیه  
 وارده در ماه مبارک رمضان استیمارا خردنجا افتتاح کفر  
 نالین مقدس بر استفاضه شیعیان عنایت شده است  
 دولت حق و حالات انرا بیان مینماید با بخار حوع فرما  
**و تهنیتاً خاتمه فرار دادم و جینه عهد نامه حضرت**  
 حجه علیه السلام را که بر وقایع و حالات ظهور و ایام  
 اشتغال تمام دارد این است **عهد نامه علی بن**  
**طاوس** در کتاب مصعب الزائر از جناب جعفر بن محمد الشافعی  
 روایت نموده که آنحضرت فرمود هر که چهل صباح  
 باین عهد نامه بدد کاه الهی دعا نماید هر این خدا بیعت  
 او را در وقت ظهور از قبرش بیرون میاورد و در عرض  
 هر کلمه آن هزار رحمت با و عطا فرماید و هزار سینه از

نامه عماش مومنینا بد این است اللهم رب النور العظيم  
 والكنز متى الرفيع ورب البحر المتجور وميزان التوريق  
 والا نجيل والزبور ورب الظل والحديد وميزان  
 القرآن العظيم ورب الملائكة المقربين والانبياء  
 والمرسلين اللهم اني اسئلك بوجهك الكريم  
 وينور وجهك المبين وملكك القديم يا حي يا  
 قیوم اسئلك باسمك الذي اشرقت به السموات  
 والارضون يا حي قبل كل شيء لا اله الا انت  
 اللهم بلغ مولانا الامام الهادي المهدي  
 القائم بامرنا صلوات الله عليه وعلى آله الطاهرين  
 عن المؤمنين والمؤمنات في مشارق الارض و  
 مغاربها سهلها وجبلها وبرها وبحرها وعمه  
 وعن والدي من الصلوات زنة عرش الله و  
 ميدان كلمائيه وما احصيه علمه واحاط به كتابه  
 اللهم اني اجتهد في صحته بومي هذا وما عشت  
 من ايامي عهداً وعقداً وبيعة له في غنى ولا حول



عَنْهَا وَلَا أَنْزِلْ أَبَدًا اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ مِنْ أَنْصَارِهِ  
وَأَعْوَانِهِ وَاللَّائِينَ عَنْهُ وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي  
قَضَائِهِ وَالتَّجِيرِ وَالْمُحَامِلِينَ عَنْهُ وَالسَّابِقِينَ إِلَى أَرَادَتِهِ  
وَالْمُسْتَعِدِّينَ بَيْنَ يَدَيْهِ اللَّهُمَّ إِنْ هَالَيْتَنِي  
وَبَيْتَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادٍ كَحُفَا فَاخِرٍ  
مِنْ قَبْرِهِ مُؤْتِرًا كَفَنَهُ شَاهِدًا سَيِّئًا مُجْتَرِمًا قَتَا جَمَلِيًّا  
دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَالْبَادِي اللَّهُمَّ قَلْبِي  
الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ وَالْعُرَّةَ الْحَمِيدَةَ وَالْحُلَّ بَصْرِي  
بِنِظَرَةٍ مِنِّي إِلَيْهِ وَعَجَلُ فَرْجِهِ وَسَهْلُ مَخْرَجِهِ وَ  
أَوْسَعُ مَنَهِجِهِ وَاسْتَلْكَ فِي مَحَبَّتِهِ فَانْقِذْ أَمْرَهُ وَ  
اشْدُدْ أَرْزَهُ وَاعْمُرْ اللَّهُمَّ بِبِلَادِكَ فَاجْزِي بِهِ  
عِبَادِكَ فَإِنَّكَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ حَقٌّ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي  
الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ فَظَهَرَ الْفُلُوكُ  
لَنَا وَلِيكَ وَإِنْ بَنَيْتَ بَيْتَكَ الْمُسْمَى بِاسْمِ رَسُولِكَ  
حَتَّى لَا يَنْظُرَ شَيْءٌ مِنَ الْبَاطِلِ إِلَّا مَرَقَةً وَتَجَوَّاهُ  
وَيُحَقِّقَهُ وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَفْرَعًا لِظُلُومِ عِبَادِكَ

وَأَمَّا

وَنَاصِرًا مِنَ لَا يَجِدُ لَهُ نَاصِرًا يَا بَنِي سَبِيلِ الدِّمَا حَقِيقِ  
بَيْنَ أَحْكَامِ كِتَابِكَ وَمُسْتَدَالِ مَا وَدَّ مِنْ أَعْلَامِ دِينِكَ  
وَسُنَنِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاجْعَلْهُ مِنْ  
حَصْنَتِهِ مِنْ بَاسِ الْمُتَعَدِّينَ اللَّهُمَّ وَسُرِّيكَ مُحَمَّدًا  
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِرُؤْيِيهِ وَمَنْ بَعَثَهُ عَلَى دَعْوِهِ  
وَأَرْحَمَ اسْتِكَانًا بَعْدَهُ اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْعَمَّةَ عَنِ  
الْأَلَمَةِ بِمُحْسُورِهِ وَعَجَلْ لَنَا ظُهُورَهُ إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بِحُكْمِ  
وَرَبِّهِ قَرِيبًا الْعَجَلُ الْعَجَلُ يَا مَوْلايَ يَا صَاحِبَ  
الزَّمَانِ يَا وَحْيِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ مَضَامِيرُ كَلَامِ الْعَالَمِ  
إِيَّاكَ جَانِ اسْتَكَرَ بِرُؤْيِكَ الْإِنْفَانِ كَمَا بِرُؤْيِكَ خُورِي عَيْنِ  
رُشْتِ بَرْكَ وَبَرْكَ دَكَرْ كَرِي بِرُؤْيِكَ دَكَرْ دَرِي بِرُؤْيِكَ  
وَأَمَّا نَازِلُ كُنْتَهُ نَوْتِهِ وَاجْعَلْهُ وَبَرْكَ دَكَرْ دَرِي بِرُؤْيِكَ  
اِفْتَابُ مَا بِرُؤْيِكَ بِرُؤْيِكَ دَعْوِ وَأَيُّ نَازِلُ كُنْتَهُ فَرَا عَظَمِ  
بَرْكَ دَكَرْ دَكَرْ مَقْرَبِينَ ابْنِيَا وَمَرْبِينَ بِرُؤْيِكَ دَكَرْ دَرِي بِرُؤْيِكَ  
مِنْ سَوَالِ مَيْكُمُ ارْتَوْ عَجَمَتِ وَجْهَ كَرِيمِ تَوْ وَتَوْ وَجْهَ نَوْرَانِيَّتِ عَمَلِ  
قَدْ بَيَّنَّا زَنْدَهُ وَأَمَّا بَابُهُ سَوَالِ مَيْكُمُ ارْتَوْ عَجَمَتِ اسْتَخْلَجْنَا بَابَهُ



۱۲۰  
 اسماها وزمین هارا بسبب نورانی و روشن نمودن ای دنده که  
 بیشتر است از هفتاد و یک معنی محسوب می شود و چون پروردگار را بمحکم  
 که پیش از او نیامده و نه شده و قبل از او نیست است و صلوات خدا  
 بر او و بر پدرش پاك او باد بر شا از جانب هر دو طرف از آن صاحب  
 ایمان که در شهرها مشرق و مغرب زمین و هموارها و کوهها ایستاده  
 و دریا سکنی دارند از من آن یکدیگر را و از صلوات و طلبت بعد  
 وزن عرش خدای ملائکه کلمات او هر یک یکبار علام خدا را شمرند  
 و کتاب او بان احاطه نمود پروردگار را بدستی از هر دو طرف  
 و سایر ایلیم عزم بر آن حضرت تازه می کنم عهد عقد بیعتی را که بر آن  
 آنحضرت در گردن من است از آن هر که بر منی کریم و ذلیل عیون  
 پروردگار مرا از جمله انصاف و یاران آنحضرت و دفع کنندگان شر  
 دشمنان از او از جمله یثاب کنندگان بخواهد خصی قضا  
 و انجاش از جمله حایت کنندگان او و سبقت کنندگان بخواهد  
 و خواهش او از جمله شهید شوندگان در پیش من و بگردد  
 پروردگار اگر حایل شود در میان من و ظهور او مرا که از او بر  
 بنده خود لازم کرده یعنی که مظهر و انوار مرا که در باید مظهر

۱۲۱  
 مرا زنده گردانیده از قبرم بیرون بیاورد و حالتی که کفن  
 خود را محقر کرده خود را با آن پوشیده شمشیر را از غلاف  
 آورده و نیزه ام را برهنه کرده در پیشانم نشاند بدعوت  
 دعوت کننده کتیک اجابه میگویم پروردگار ان طلعت  
 ریشیده و نور پسندیده را بمن بنما و بدیده با بگاه کردن  
 با آنحضرت سر نه بکش و بفرج او شتاب کن و خروجش را  
 گردان و راه او را وسیع کن و مراد در راه او بر او بر تپ  
 حکمش را نافذ کن و کوشش را محکم گردان پروردگار  
 بسپار و بلا خود را معذور و بنده کن خود را زنده گردان  
 که تو فرموده در حالتی که فرموده توحی است که بسبب  
 گناهان خلایق فاسد و بیابان و دریا ظاهر و آشکارا  
 گردید پروردگار را پس ولی خود و سپهر خضی پیغمبر خود  
 را که بنام پیغمبر نامیده شده برای مظاهر گردان تا  
 اینکه به هیچ چیز از باطل بچار و گرفتار نشو مگر اینکه انرا  
 پاره پاره گردانند و بر هم زنند و حقرا تا بت و آشکار نماید  
 و پروردگار او را بر ۴ مستند کند کان بنده کانت لجا و بنا

گردان



و او را یاری کنند کردار برای کسی که آن حضرت پرست  
 او بپذیرد تو یار می کنند نمی باید و بگردان از ایشان چنان که  
 معطل و ضایع شده تمام احکام توان از گردانند و بانه ها در  
 دمد و نشانهای دینت را و ستمها پیچید را محکم گرداند  
 و او را بگردان از کسانیکن که ایشانرا از شدت جنک ظالمان  
 محافظت کرده پروردگار پیغمبر خود محمد صلی الله علیه و آله  
 و تابعان او را که دعوتش را اجابت و قبول کرده اند بدین  
 آنحضرت شاد گردان بخضوع و فروتنی و ذلت ماکه بعد از  
 وفات پیغمبر بیمار و داده رحم کن پروردگار این غم را  
 از این آینه مجنون و ظهور آنحضرت بر دار و ظهورش را  
 با فحش بر اصحاب میر گردان بدست که مخالفان از دور  
 میدانند ماها از او نزدیک میدانیم ای مولای من ای صاحب الزمان  
 تعجیل کن ای رحیم تر رحم کنندگان این مسئلت مرا بپسند  
 قبول کن بعد از آن بادست سه مرتبه بردان  
 راست میزن در هر مرتبه یکبار بگوئے الْعَجَلُ يَا مَوْلَايَ  
 يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْكَ وَعَلَى

ابانک الطاهر بن ولعنة الله على اعدائکم و عاصیکم  
 و غاصب حقوکم و منکر رجعتکم و منافقکم من الان  
 يوم الدين الحمد لله اولا و آخر و ظهرا و باطنا

### مَوْ لَقِيْرُ

هَذِي الْوَجِيْزَةُ اِنْ كَانَتْ مُحَقَّرَةً  
 ابن مختصر ناليف هرگاه باشد حقیر شمرده  
 عِنْدَ الَّذِينَ هُمْ الْحَقَّاقُ فِي الْكُتُبِ  
 دستزد کسان که آنها را ماهر هستند در کتابها  
 قَدْ صَارَ تَأْلِيفُهَا لِلْعَوَامِ اِنْهَئِهِمْ  
 بتحقیق بوده است جمع اوگان اضرای عوام باشد آنها  
 خَاضُوا بِمِجْرَجِ الْاَضْلَالِ فِي الْكُتُبِ  
 فرورفته اند در برگشتن کاه کراه کردن در دیگران  
 اَرْجُو بَانَ كَانَتْ اَلَايَاتُ هَادِيَةً  
 امید دارم باینکه این آیه هاراه نمایند باشند  
 لِلْمُهْدِيْنَ بِهَا مَحْتَاجُ ذُو الْاَرَبِ  
 از برای هدایت یافتگان و بانهها محتاج بیژ صاحب طبعها



مَا الْقَصْدُ فِيهَا سِوَا وَشَادِ عَاجِرِ هَمِّ  
نَيْتِ قَصْدِ دَانِهَا سِوَايِ رَاهِ نَمُونِ عَاجِرِ سَانِ  
عَنْ رَدِّ شَيْءٍ بِزَعْمِ الْمَلِكِ الْكَذِبِ  
از رَدِّ شَيْءِ بِيَمَانِ بَدِينِ دُرُوغِ كَرَمِ

قصيدة الوسيل للوالد الحجة بن الناصر الصغير

يَا قُطْبَ أَقْلِيمِ الْوُجُوهِ زِينَةِ	لِلدِّينِ وَالشَّرْعِ هَادِي لَأَيِّمِ
يَا غَوْثَ نَيْبِغِيثِ الْعَوْنِ لِنَجَاتِ	مَا مِنْ مِغِيثٍ لَهُ يَا كَاشِفِ الْغَمِّ
يَا مَاجِي الْكَفْرِ وَالْفِسَادِ السَّخِ	يَا عِلَّةَ الْكُورِ لِلْأَنْوَارِ وَالْظُّلَمِ
يَا ثِقَا الصَّدِّيقِ مِنْ غُلُوقِ مَوْتِ	يَا مَعْدِنَ الْجُودِ وَالْأَضْيَالِ وَالْكَرَمِ
أَنَا لَمَّا ذُلْنَا فِي كُلِّ نَائِبَةٍ	وَمَقَرَّعٍ عِنْدَ كُلِّ كَرِيهِ إِلَّا لَيْمِ
فَدَسَّاتِ السَّبِّ الْخَفِيرِ وَالْوَهْنِ	مِنْ أَهْلِ زَنْدَقِيَّةٍ يَا مَالِكِ الدِّينِ
ابْنَ الْخِلَافِ مِنْ الْأَعْدَاءِ يَأْسُدَا	لِلْمُؤْمِنِينَ وَرُكْنَ الْبَيْتِ الْحَرَمِ
عَجَلْ فِدَاكَ أَبِي وَابْنِي سَبْدِي	يَا عِلَّةَ الْفَيْضِ وَالْأَمْطَارِ وَالِدِي
يَا وَلِيَّ الْمُلْكِ يَا ذَا السَّبَبِ الْخَطِ	يَا صَاحِبَ الرِّيحِ وَالْأَرْقَامِ وَالْقَلَمِ
يَا لَيْتَنِي قَبْلَ مَوْتِي سَبَدْتُ أَرْكَمِ	إِذَا أَنْتَ تَحْكُمُ مَنَا السَّخَاكَ الْأَرَمِ
يَا مَنْ خَلَقَكَ لِلصَّلَاةِ يَبْقَى	عَبَسَ بَرْمَسِيهِمْ رُوحُ اللَّهِ الْحَرَمِ

خَيْرُهَا قَوْلُ مَرْيَمَ رَغْبَتِ	مَنْ دَايِبَتِيهِ الْأَمَلُ الْكَتَمِ
يَا مَنْ طَلَعَتِ الْغَمَامُ مُنْظِمِ	الْحُجْرِ وَالْأَنْسِ يَا ذَا الْحُكْمِ وَالْعِلْمِ
يَا مُجَبِّي الْأَرْضِ بِالْإِيمَانِ وَالسَّجْدِ	يَا رَافِعَ الظُّلَمِ وَالْبِدَارِ وَالْجَمِّ
يَا مَالِي الْأَرْضِ قَارِعًا يَا لَمِثِّ	جُودٍ وَظُلْمٍ قَاجِي الْمُلْكِ بِالْحُكْمِ
يَا كَلْبِي النَّاسِ وَالْمَنَاصِ لِمَنْ	يَرْجُو النِّجَاةَ بِكُمْ يَا عَالِي الشِّمِّ
ذَا بَ الْقُلُوبِ أَيْمُ اللَّهِ وَرَأْسُ	أَنَارِ وَخِي قَدِيرِ الشِّمِّ مُخْرَمِ
الْمَالِ مُتَهَبِ الْعِزِّ مُسْرِكِ	وَالنَّاسِ مُتَخَفِّصِ النَّاسِ مُشْرَمِ
أَبَدُ لَنَا صِنْعًا أَقْوَامُ طَائِعِي	وَالرَّحْمَةِ وَاللَّيْلِ وَالْأَمَلِ وَالْكَلِمِ
صَافَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ الْأَرْضُ يَا	إِنَّ الْأَمَانَةَ وَالْأَيْضًا مُنْصَرَمِ
يَا صَاحِبَ الْفَرَجِ إِلَهِي فَجَلَسَ	يَا نَوَلِيَّ مِنْ كُلِّ فَجٍّ صَافِي الْوَلَمِ
أَسْتَغْفِرُكَ مِنْ بَلْعِي مِنْ كُلِّ	كُلِّ الْأُمُورِ بِحُكْمِ اللَّهِ بِنُظْمِ
هَذِهِ الْمَقَالَةِ مِنْ طَبَقِي وَمُنْقَصِي	وَقْتُ الظُّهُورِ بِفَرَسِ اللَّهِ مُجْتَرَمِ
أَكْوَالِي الْعِلَاصِ لِعَقُودِ نَوْبِي	أَهْلًا بِمِدْحَتِهِ فِي شَيْئِهِ الْمَحْدَمِ
كَمُخَيَّرِ الْأَمَلِ شَانَا فِي حَقَارَتِهَا	يَرْجُو النِّفَاعَةَ بِالْكَفَى وَمُنْعَصَمِ

أَبِ مَدُوتِ هَلَالِ

در وقت دیدن ماه نو خوبت ایندهار بخواند یعنی بعد از



انکه نظر بفران مجید و اسماء مقدسه نماید این دعا را بخواند  
اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ إِذَا نَظَرْنَا إِلَى الْهِلَالِ نَظَرًا بَعْضُهُمْ  
إِلَى وَجْهِهِ بَعْضٌ وَتَبَرَّكَ بَعْضُهُمْ بِبَعْضٍ وَإِنِّي نَظَرْتُ  
إِلَى كِتَابِكَ وَإِلَى اسْمِكَ بِبَيْتِكَ وَأَسْمَاءِ أَوْلِيَّائِكَ عَلَيْهِمُ  
السَّلَامُ فَأَعْطِنِي كُلَّ الذِّبَاءِ أَحِبُّ مِنَ الْخَيْرِ وَأَصْرِ  
عَنِّي كُلَّ مَا أَحَبُّ أَنْ تَصْرِفَهُ مِنِّي الشَّرَّ وَتَذِنَنِي مِنْ  
ضَلِّكَ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ  
زیارت کند اسماء مقدسه را

اللَّهُ مُحَمَّدٌ عَلَى فاطمة  
الحسين والحبسبن على  
محمد جعفر موسى على  
محمد على الحسين المهدي  
صلوات الله وسلامه عليهم أجمعين

مستحب است که در دیدن ماه نو این دعا را بخواند  
را بخواند که امیرالمؤمنین فرمود که وقتی که ماه  
نوراد یک جدا شود تا این دعا را بخواند اللهم  
إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ هَذَا الشَّهْرِ وَفَتْحَهُ وَنُورَهُ  
وَنَصْرَهُ وَبَرَكَتَهُ وَظَهْرَهُ وَبَيْتَهُ وَأَسْأَلُكَ  
خَيْرَ مَا فِيهِ وَخَيْرَ مَا بَعْدَهُ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ  
مَا فِيهِ وَشَرِّ مَا بَعْدَهُ اللَّهُمَّ أَدْخِلْهُ عَلَيْنَا  
بِالْإِيمَانِ وَالْإِيمَانِ وَالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ وَ  
التَّوْفِيقِ يَا مُحِبُّ وَتَرْضَى بِرَحْمَتِكَ يَا  
أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

قد وقع الفراغ من ترجمه  
ها بید مؤلفها الحقیر  
ناصح

في شهر ذي قعدة من شهر سنة ١٢٥٥ هـ

از کتابخانه خارج کشور  
کتابخانه



در  
مطبعه قوه  
علمیه که در نهایت  
درجه پسندیده و مطبوع  
است بحلیه طبع  
رسید  
۱۳۵۰  
هجری







